

به بهانه انتشار سند برنامه هفتم توسعه

کدام برنامه برای کدام توسعه؟!

صفحه ۲ را بخوانید

چقدر بیت کوین نیاز دارید

که تا پایان سال ۲۰۲۵
پولدار محسوب شوید؟



۲



«تصویر بزرگ»
صنعت خودروسازی

۴

وقتی گالیور بیدار می شود!

رشد چشمگیر انتقال کالا
در کوردیور شمال جنوب

۵

خبرخوان

صنایع تبدیلی و تکمیلی جهشی برای رسیدن به توسعه اقتصادی



محصول کشاورزی آن منطقه، عاملی در جهت رشد اقتصادی و ایجاد فرصت های شغلی است. حال چندسالی است که در استان کردستان نهضت گلخانه ای و ایجاد سردخانه شروع و در حال توسعه است به حدی که تا قبل از سال ۱۴۰۰ ظرفیت کل سردخانه های استان کردستان زیر ۳۵ هزار تن بود، اما امروزه ظرفیت سردخانه های استان به بیش از ۱۰۰ هزار تن رسیده است.

استان کردستان، استانی مستعد در حوزه تولید محصولات باغی، کشاورزی و زراعی است که نگهداری از این محصولات در زمان تولید نیازمند ایجاد سردخانه است. ایجاد سردخانه در کنار تولید محصولات باغی و کشاورزی می تواند، در کاهش ضرر و زیان، جلوگیری از کاهش قیمت، تنظیم بازار و واسطه گری موثر باشد. همچنین به کشاورزان و باغداران این فرصت را می دهد که در زمان تولید، محصول خود را در سردخانه نگهداری کرده و به صورت تدریجی روانه بازار کنند. عدم وجود صنایع تبدیلی و تکمیلی در استان کردستان به منظور جلوگیری از فاسد شدن محصولات و خام فروشی و خروج محصولات کشاورزی و باغی از استان، یکی از ضعف های چشمگیر استان کردستان است. ایجاد کارگاه ها و کارخانه های صنایع تبدیلی و تکمیلی در هر شهرستان منطبق با ظرفیت های

۱۲۵ میلیون هکتار منابع طبیعی کشور در معرض فرسایش است



می شود. از ابتدای امسال تاکنون ۵۰ میلیون اصله نهال در کشور تولید و تا پایان امسال به ۲۵۰ میلیون اصله نهال افزایش می یابد. علاوه بر احیا و غنی سازی عرصه های منابع طبیعی برای کاهش تبعات بیابان زایی، به منظور بالابردن سطح فضای سبز و همچنین زراعت چوب تاسه سال آینده به بیش از یک میلیارد اصله نهال نیاز داریم. تاکنون ۳۰۰ میلیون تقاضای نهال برای زراعت چوب از سوی مردم و بخش های خصوصی اعلام شده است.

عباسعلی نوبخت معاون وزیر جهاد کشاورزی و رئیس سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور گفته: هم اکنون ۱۲۵ میلیون هکتار از عرصه های منابع طبیعی سطح کشور در معرض فرسایش آبی قرار دارند. سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور، در کنار کشت یک میلیارد نهال در عرصه های منابع طبیعی، به اجرای طرح های آبخیزداری و آبخوان داری برای مقابله با خشکسالی نیز توجه ویژه دارد. این طرح ها با هدف افزایش تغذیه سفره های زیر زمینی و مقابله با خشکسالی ها، کنترل عوامل فرسایش آبی و افزایش پوشش گیاهی مراتع کشور اجرا می شود. کاشت یک میلیارد نهال در مدت چهار سال در دستور کار این سازمان و ادارات کل منابع طبیعی استان ها قرار گرفته است. در راستای اجرای این طرح که از سال گذشته آغاز شده و به مدت چهار سال ادامه دارد، سالانه ۲۵۰ میلیون اصله نهال تولید و در عرصه های منابع طبیعی کشور کاشته

پارسال ۷ میلیون دلار آب به روسیه صادر کردیم

کشورهای عراق و افغانستان خودکفا شده اند و کارخانجات متعدد بسته بندی راه اندازی کرده اند، ضمن اینکه روابط دیپلماتیک، امنیت تاجر، کرایه حمل نیز بشدت اثر دارد، بنابراین همه مولفه ها در جهت تضعیف صادرات بوده است. اکنون سرانه مصرف آب بسته بندی در ایران حدود ۲۵ لیتر، ترکیه ۱۵۰ لیتر و در کشورهای همسایه بالای ۱۰۰ لیتر است، ما هم می توانیم به این ارقام برسیم اما شرط اساسی اقتصاد خانوار است.

با کشورهای همسایه به خصوص ترکیه قابل مقایسه نیست. اهداف ما بیشتر بازارهای حوزه خلیج فارس بوده و ذائقه هایشان بشدت به دلیل توریست پذیری از کشورهای غربی تغییر کرده و بخش بزرگی از واردات این کشورها به محصولات غربی اختصاص داده شده است. کشورهای اتحادیه عرب هم ترجیح شان واردات از کشورهای عرب منطقه است، همچنین

می بیند و بلافاصله از سبد خانوار حذف می شود. رونق فصلی صنعت ما مصادف با همین تابستان است یعنی این صنعت در همه دنیا به غیر از نواحی استوایی حدود ۸ ماه سال رکود و بقیه ماه ها وارد دوره رونق می شود. میزان کم صادرات در ایران به دلیل قیمت تمام شده در مقایسه با رقبای منطقه ای است، در ایران هزینه های تامین مالی بسیار سنگین است و

پیمان فروهر دبیر انجمن تولیدکنندگان و صادرکنندگان آب های معدنی و آشامیدنی گفته: سال گذشته حدود ۱۰ میلیون دلار صادرات داشتیم که حدود ۶ تا ۷ میلیون دلار از این میزان برای اولین بار در تاریخ آب بسته بندی به بازار روسیه ارسال شد که به دلیل نیاز این کشور به جهت درگیری ها بوده است. در ۹۰ درصد جغرافیای ایران مردم در منازل آب شرب در اختیار دارند بنابراین وقتی اقتصاد خانوار دچار تزلزل می شود محصولات ما هم آسیب

به بهانه انتشار سند برنامه هفتم توسعه کدام برنامه برای کدام توسعه؟!

فرشاد مومنی | اقتصاددان



یک شرایط غیرمتعارف و مشکوک در فرآیندهای تصمیم‌گیری و تخصیص منابع ایران مشاهده می‌شود. اگر ما هوشمندی به خرج ندهیم، نمی‌توانیم از عهده بحران‌های پرشماری که کشورمان با آن روبرو است، بیرون بیاوریم. مادی‌گرایان جهت‌عکس‌یافته‌های حرکت به سمت توسعه حرکت می‌کنیم و سطوحی از غفلت، فساد و نادانی دست به هم داده‌اند که شاهد صنعت‌زدایی شکنندگی آوری باشیم. انگیزه‌های مبرای مطرح کردن این بحث در شرایط کنونی این است که کشور در آستانه تصمیم‌گیری‌های راهبردی مانند برنامه هفتم توسعه است.

همچنین شیوه غیرمتعارف دولت‌فعلی برای تدوین برنامه هفتم نشان می‌دهد که گویا برخی در حال فراهم کردن نان برای مافیاهای هستند! برای اولین بار شاهد هستیم سندی تدوین شده که در آن مشارکت دستگاه‌ها، مناطق و بخش‌ها از شکل‌گیری این سند حذف شده است لذا این شیوه برنامه‌ریزی مشکوک است. آنچه هم که در این سند نوشته شده، هیچ یک از مشخصات یک سند راه‌گشا را در دل خود ندارد و تا دلتان بخواهد موارد مشکوک و استمرار دهنده بحران‌های موجود در آن دیده می‌شود. این شیوه بسیج ذخیره‌دانی کشور و مشارکت‌زدایی غیرعادی از نخبگان و صاحب‌نظران به نفع کشور نیست. باید به دولت، مجلس و سطوح بالاتر تصمیم‌گیری بگوییم که تداوم این شیوه، ایران را در معرض هزینه‌های سنگین‌تر قرار می‌دهد.

چرا در پیش‌نویس برنامه هفتم، بحران محیط‌زیست در شکننده‌ترین شرایط کشور حذف شده است؟ آنهایی که دعواهای حیدری، نعمتی، پوچ را عمده می‌کنند، باید توضیح دهند چرا در حالیکه فقر در حال بیدار کردن است، وابستگی به دنیای خارج و محیط‌زیست از اسناد برنامه‌ریزی حذف می‌شود؟ ما بابتی سابقه‌ترین سقوط‌ها در رابطه با توان رقابت و مقاومت اقتصاد جامعه خود روبرو هستیم. بی سابقه‌ترین جهش‌ها در ذخیره سرمایه انسانی را دارا هستیم اما با بی سابقه‌ترین سقوط در بهره‌وری عوامل تولید هم روبرو شده‌ایم. همه این موارد امنیت ملی ما را تهدید می‌کند. هم‌حکومت مردم‌پایه‌ها و شیار باشند و بدانند کانون اصلی تمام این بحران‌ها، پشت کردن به تولید و تکیه به اموری است که بخواهد بدون زحمت، مشکلات را حل کند.

شیوه دیگر صنعت‌زدایی در ایران، ارائه بی‌امان ابداعات مشوق رانت است. یکی از شگفت‌انگیزترین آنها ماجرای مجوزدهی‌های جنون‌آمیز است. بالغ بر ۵ سال است که می‌گوییم این مجوزدهی‌های جز سرخورده کردن کارشناسان ما چه کارکردی داشته است؟ چرا مجوزهای دارای پروانه بهره‌برداری فعال و در دست‌اجرا در حوزه خودروسازی ایران معادل کل واحدهای خودروسازی آلمان، ژاپن، امریکا، برزیل، فرانسه، کره جنوبی، ایتالیا، اسپانیا و ترکیه است. این کارها برای این است که این واحدها با هزینه‌های ثابت بزرگ، خودرو را گران تولید کنند سپس زبان مافیاهای واردات خودرو را باز کنند تا با بهانه گرانی خودرو، سراغ واردات بزنند.

چرا تعداد واحدهای تولید سیمان مجوز داده شده و در حال بهره‌برداری معادل شش برابر واحدهای سیمانی چین و کره جنوبی است؟ چرا تعداد مجوزهای تولید موتور سیکلت باید معادل بیش از دو برابر کل واحدهای مشابه در چین، اندونزی، کره، تایوان و ویتنام باشد؟ این کارها از طریق از بین بردن ریشه تولید بزرگ مقیاس رخ می‌دهد. می‌گویند ما به تولید مجوز داده‌ایم یعنی تولید رایج یک محموله با تولید مناسب رانتهی تبدیل می‌کنند و هم‌زمان ریشه‌های تولید صنعتی ایران را از طریق تخصیص مشکوک منابع ارزی در بالاترین سطح با واحدهای رانتهی-معدنی خشک می‌کنند.

یکی از این شیوه‌ها این است که دائماً آلت‌ترازی‌های معمول با محوریت توهم موفقیت از شیوه‌های غیرمولد ارائه می‌شود. یک روز می‌گویند ما باید نقش ترانزیستی داشته باشیم و مثل یک نعش که دیگران از گوشه و کنارش رده می‌شود، موفق شویم. اگر ما یک استراتژی توسعه موفق داشته باشیم، یقیناً به ابزار ترانزیت کارآمد هم نیاز داریم اما در شرایطی که ما می‌دانیم ماجرای ترانزیت مورد طمع قدرت‌های جهانی در منازعات هژمونیک است، تکیه کردن روی این مفهوم مشکوک است. یک روز هم می‌گویند از طریق تمرکز روی صنایع دستی باید موفق شویم آنهم در شرایطی که ما در دنیا با تولید دانایی محور روبرو هستیم.

باصرف‌های مدرن شده نمی‌شود از طریق تولید معیشتی، ماجرا را جلو برد. یک کسانی می‌گویند راه‌حل‌های پشت‌کننده به تولید و مبتنی بر واردات را دستور کار قرار دهیم. این راه به شیوه بسیار مشکوکی در حوزه کشاورزی می‌بینیم. طرح «نکاشت» می‌دهند و می‌گویند به کشاورزان پول بدهیم که چیزی نکارند در حالیکه طرح نکاشت برای کشورهایی است که از بیش از صد سال است که از تولید انبوه عبور کرده‌اند و کالاهایی تولید می‌کنند که مورد تقاضای جدی جهانی قرار دارد. عین این مساله در جوسازی‌های مافیایی راجع به اشکالات تولیدی خودروسازان وجود دارد که می‌خواهد راه را برای واردات باز کند.

بر اساس گزارش وزارت صمت، طی شش برنامه توسعه گذشته ایران، ۸۷٫۵ درصد سرمایه‌گذاری صنعتی توسط دولت، در حیطه رانتهی-معدنی‌ها بوده است. به اینها رانت انرژی، ارز، حمل و نقل، اعتبار بانکی ... می‌دهند سپس برای برگرداندن ارزشان، به دربروزگی می‌افتند. گزارش رسمی وزارت صمت می‌گوید تقریباً تمام تسهیلات ارزی و ریالی صندوق توسعه ملی در اختیار فعالیت‌های مربوط به پتروشیمی، فلزات و کانی‌های غیرفلزی قرار گرفته است. چرا تعداد پروژه‌های بهره‌داری رسیده سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران از ۴۹ طرح در برنامه چهارم، به ۱۹ طرح در برنامه پنجم و ۵ طرح در برنامه ششم رسیده است؟

محمد قاسمی | رئیس مرکز پژوهش‌های اتاق ایران



برنامه‌ریزی در ایران تبدیل به کار اداری شده و کسی به دنبال حل مسائل واقعی کشور نیست. برنامه‌ریزی در ایران به آیین تبدیل شده است؛ کاری اداری که کسی به دنبال محتوا و کیفیت آن نیست. در مرحله تدوین سیاست‌های کلی برنامه‌های توسعه با جامعه مشورت‌های چندانی صورت نمی‌گیرد و در مرحله تدوین برنامه تبدیل می‌شود به یک کار اداری.

در ایران مهم‌ترین نقشی که برای برنامه‌ریزی قائل هستند، نقش هماهنگی است نه بیشتر و در برنامه هفتم توسعه فضای پیچیده‌تر شده، توان تولیدی کشور تحلیل رفته و کشور از جریان‌های اصلی اقتصاد بین‌الملل، تجارت بین‌الملل، تکنولوژی و جریان‌های اصلی مالی جدا شده است، در این شرایط اگر به واقعیت‌های کشور توجه نشود، اگر تحولات رادرنک نکنیم، تقریباً ایران به لحاظ ژئوپلیتیک به یک برهوت تبدیل می‌شود.

ما برنامه‌ریزی توسعه را آلان برای کشورمان لازم داریم و این ادعا که دوره برنامه‌ریزی گذشته، دقیق نیست. کشورهایی که در دوره‌های برنامه‌ریزی داشتند و آلان ندارند، در حقیقت عملاً به درجانی از توسعه‌یافتگی رسیدند که دیگر نیازی به تعیین مسیر به شیوه‌های قبلی ندارند. به این ترتیب در آن کشورها برنامه‌ریزی جزء فرهنگ نگاه‌ها و دستگاه‌ها شده است. دیگر نیازی به تدوین برنامه‌ای در سطح ملی و کلان مثل قبل در آنجا نیست. بنگاه‌های بزرگ می‌دانند که برای پنج و ده سال آتی باید وضعیت چه متغیرهایی را دنبال کنند. در ایران مهم‌ترین نقشی که برای برنامه‌ریزی قائل هستیم، نقش هماهنگی است. سؤال دومی که در آنجا مطرح شد، این است که آیا می‌توانیم انتظار داشته باشیم که از فرایندی که به ویژه برنامه‌های بعد از انقلاب بر مبنای آن تهیه شده است، یک برنامه که در اداره کشور اثر داشته باشد، استخراج شود؟ پاسخ این سؤال خیر بود.

در اینجا پارادوکسی وجود دارد. ما برنامه‌ریزی می‌خواهیم، اما نه کاری که در حال حاضر تحت عنوان برنامه‌ریزی در کشور انجام می‌شود. پدیده‌ای که در ایران امروز ما با آن مواجه هستیم، وجود مسائل و چالش‌های مهم در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و حتی سیاسی، نوع نگاه به روابط بین‌الملل و غیره است. این‌ها مسائلی نیست که صرفاً با واگذاری به سازوکار بازار و قیمت‌ها حل شود.

ما الان با مجموعه‌ای از چالش‌های بزرگ روبرو هستیم که حتماً نیاز به تصمیمات هماهنگ در حوزه‌های مختلف داریم تا ظرف مدتی که نسبتاً طولانی هم خواهد بود، ما را به نقطه‌ای برساند که احساس کنیم می‌تواند تعادل‌های بلندمدت را در کشور برقرار کنیم. تعادل در نظام منابع و مصارف دولت، تعادل در نظام منابع و مصارف تأمین اجتماعی، تعادل در حوزه منابع آب، محیط‌زیست، حتی حوزه‌هایی مثل تجارت بین‌الملل، بنیه تولیدی در کشور، صنعتی شدن کشور.

اینکه فرضمان بر این باشد که فقط با سازوکار بازار از نقطه فعلی می‌توانیم به تعادل‌های جدید و مطلوب برسیم، به نظر نمی‌رسد که حتی اقتصاددانان لیبرال هم همچو ادعایی داشته باشند. از این جهت است که نیاز به انواع برنامه‌ریزی‌ها هم در سطح ملی و هم منطقه‌ای و هم برنامه‌ریزی‌های کلان و هم سطح خرد داریم. حالا اینکه حوزه برنامه‌ریزی برای حل این مسئله از کجا باید شروع شود، در ادامه صحبت به آن می‌پردازیم.

در مورد فهرست چالش‌ها الان کمتر اختلاف‌نظری وجود دارد. حتی می‌توانیم ادعا کنیم که راجع بخش عمده‌ای از راه‌حل‌ها هم اجماع نسبی وجود دارد؛ یعنی ما تقریباً یک اجماع خوب راجع به مشکلات داریم و یک اجماع نسبی داریم راجع به راه‌حل‌ها. اما اجرای این راه‌حل‌ها نیاز به تصمیم‌گیری‌های سختی دارد که به دو جهت عملاً کشور را رسانده به نقطه‌ای که آلان هستیم. اول آنکه نظام تدبیر فوق‌العاده کندو کارآمد است به گونه‌ای که اساساً شما بهترین راه‌حل‌ها را هم بدهید، توان اقل‌سازی مردم و اجرا وجود ندارد.

دومین مسئله حاکم بودن فضای تصمیم‌گیری‌های کوتاه‌مدت در دولت و مجلس است که عمدتاً این‌ها نگران تبعات تصمیمات سخت هستند و می‌دانند که این تصمیمات سخت اولاً نیاز به محیط آرام بین‌المللی دارد و دوم نیاز به حمایت مردم. حقیقت این است که نه آن حد از سرمایه‌های اجتماعی وجود دارد که تصمیم گرفته شود که مثلاً نظام بانکی‌سازی فلان شود یا مسئله آب بهمان شوی در اجماع به بودجه دولت فلان کارها را نکنیم. نکته دوم اینکه کشوری که به هر ترتیب در موقعیتی قرار گرفته است که امنیت ملی را دائم در معرض تهدید می‌بیند، عملاً اصلاحات در این حوزه‌ها برایش اولویت ندارد.

صفر دو

برنامه هفتم توسعه؛ یک گام بزرگ به عقب در حوزه محیط‌زیست!

محمد درویش | کارشناس محیط‌زیست



آن زمانی که محیط‌زیست در اوج بود، یعنی برنامه پنج‌ساله چهارم، به شهادت گزارش تحلیلی مرکز پژوهش‌های مجلس، کمتر از سی درصد اهدا شد هم محقق نشد، از جمله ماده ۵۹ برنامه چهارم که دولت را موظف به ارزشگذاری اقتصادی موافق طبیعی می‌کرد و عملاً اجرا نشد. حالا که شب است و حتی فصل محیط‌زیست و منابع طبیعی رسماً از پیش‌نویس برنامه هفتم حذف شده و معلومه که چه فرجامی در حاکمیت انتظار محیط‌زیست را می‌کشد!

بر مبنای گزارش سال ۲۰۲۰ شاخص‌های عملکرد محیط‌زیستی (EPI) در حوزه آب، ایران در شاخص «از دست دادن تالاب» با نمره ۴۵.۴ نسبت به ده سال پیش دچار ۱۴.۱ درصد افت شده است. این در حالی است که مطابق ماده ۳۸ برنامه ششم، دولت موظف بود که دست کم بیست درصد از تالاب‌های بحرانی کشور را احیا کند. اینک تعداد استان‌های دارای کانون گردوغبار به عدد ۲۳ رسیده و سطح کانون‌های گردوغبار هم از مرز ۳۴.۶ میلیون هکتار گذشته است. همچنین متوسط غبار خیزی ۴.۲۴ میلیون تن در سال برابر با ۱۲۲ کیلوگرم در هکتار توسط سازمان حفاظت محیط‌زیست گزارش شده است. در واقع، بر مبنای این گزارش ۴۲ درصد از کل عرصه ۳.۴ میلیون هکتاری تالابی کشور که در کنوانسیون جهانی راسمر ثبت شده، اینک به‌طور کامل خشک شده و به کانون فرسایش بادی و تولید گردوغبار تبدیل شده است. راست آن است که حاکمیت صدای نماینده دماوند را که خواستار انحلال سازمان حفاظت محیط‌زیست شده، جدی‌تر گرفته و در برنامه هفتم می‌کوشد تا این مطالبه را بدون سر و صدا اجرایی کند. دقت کنید که در آستانه برنامه ششم، آیت‌الله خامنه‌ای یک منشور پانزده ماده‌ای اختصاصاً برای محیط‌زیست صادر کرد و در برنامه هفتم، حتی خبری از آن منشور هم نبود!

متأسفم که علی‌سلاجقه همچنان حاضر است در پردیسان بماند و چنین ننگی را تحمل کند.



توسعه‌یافتگی با تربیت نسلی توسعه‌آفرین، آگاه، توانمند و آینده‌ساز

مجتبی لشکر بلوکی | استراتژیست

تا همین چند وقت پیش؛

- ملت با چوب و سنگ، سگ و گربه‌ها را می‌زدند؛ ولی الان انجمن برای نگهداری شان ایجاد شده.
- اگر کسی که پشت فرمان کمربند می‌بست را مسخره می‌کردیم؛ ولی الان تا ماشین را روشن می‌کنیم ناخودآگاه اول کمربندمان را می‌بندیم.
- اگر خانمی متراکه می‌کرد با نگاه سنگین مان اذیتش می‌کردیم؛ ولی الان به تصمیمش احترام می‌گذاریم!
- اگر کسی نظر مخالفی داشت، غوغا به پا می‌کردیم؛ ولی الان می‌گوییم خوب نظرش این است؛ هر کسی نظرش برای خودش محترم است! [حتی اگر ناراحت شویم دست کم خوددراثر شده‌ایم.]

تا چند وقت پیش و در روزهای تعطیل، پارک‌ها و جنگل‌ها تبدیل می‌شدند به سفرای از زباله‌ها؛ اما الان برخی از مردم [نه همه] علاوه بر زباله‌های خود زباله‌های دیگران را نیز جمع می‌کنند. آهسته‌آهسته داریم تغییر می‌کنیم! شاید هنوز خیلی راه مانده تا به جامعه ایده‌آل برسیم؛ اما همین که آغاز کردیم خیلی خوب است. مرتب نگویم ایرانی‌ها فلان هستند! ایران یعنی من، یعنی تو. تو مطالعه کن، رفتارهای اجتماعی نامناسب را اصلاح کن و به من هم یاد بده که همین کار را بکنم، اما مهربانی؛ نه با نگاه از بالا پایین و بالحنی که: «تویی فرهنگی و من با فرهنگ» (نویسنده: ناعلوم)

تحلیل و تجویز راهبردی

نتوانستیم نویسنده اصلی را بیابیم، اما می‌خواهم چند نکته‌ای به آن بیافزایم.

با نگاه به سال‌های دور، متوجه می‌شوم فرهنگ ما مبتنی بر پدرسالاری، بزرگ‌سالاری و معلم‌سالاری بود. همه این‌ها با تمام تفاوت‌های شان، در یک چیز مشترک بودند. اینکه یک نفر فکر می‌کند، یک نفر حکم می‌راند و بقیه «فقط» اطاعت می‌کنند. تعریف آدم خوب در گذشته آدم مطیع بود؛ آدمی که در نهایت کارمند می‌شد.

اصلا قرار نبود ما فکر کنیم! پدر به جای ما تصمیم می‌گرفت که چه رشته‌ای بخوانیم، با چه کسی ازدواج کنیم، شیخ و بزرگ قبیله تصمیم می‌گرفت که چه کسی باید چه کاری کند و حتی چه عقیده‌ای داشته باشد. معلم بود که ...

ما در طول این سال‌ها بسیاری از عقاید و رفتارهای اشتباه را به مرور کنار گذاشته‌ایم. فهمیده‌ایم که قرار نیست همه دکتر و مهندس شوند. بی‌زس من یا کارآفرین شدن هم مسیر دیگری است.

در طول این سال‌ها، معلمان محدودتر شده‌اند. پدرها منطقی‌تر و محتوای درس‌ها تعاملی‌تر شده‌اند. نسل جدید جسورتر، خلاق‌تر، نقادتر و عاقل‌تر از ماست و به راحتی هر چیزی را نمی‌پذیرد. این اصلا چیز کمی نیست! این آغاز ماجراست.

سیستان و بلوچستان

باید صنایع کم‌آب بر رابه منطقه سیستان بیاوریم



استاندار سیستان و بلوچستان گفته: در منطقه بندان حفر چاه آغاز شده و آب از این منطقه به سمت منطقه سیستان هدایت می‌شود. مردم می‌خواهند سال‌ها در کنار مرز با مسالمت در کنار یکدیگر زندگی کنند و امنیت و اقتصاد افغانستان در واقع امنیت و اقتصاد ماست و اثرات ناآرامی هادر کشور همسایه قطعا به کشور ما هم خواهد رسید. باید صنایع کم‌آب و آب‌جایگزین رابه منطقه سیستان بیاوریم. قرارگاهی در سیستان با عنوان قرارگاه غدیر ایجاد کردیم که به طور خاص ویژه به مسائل و مشکلات سیستان بپردازد. در راستای بهره‌وری بهتر در اجرای پروژه‌ها، شرکت‌های دانش بنیان باید افزایش یابد و تعاونی‌های دانش بنیان

خراسان رضوی

تولید ۱۹۰۰ کیلووات برق در ۴۹ نیروگاه خورشیدی کوچک مقیاس



حجت الاسلام والمسلمین محمد احمدزاده مدیرکل اوقاف و امور خیریه خراسان رضوی گفته: ۴۹ نیروگاه خورشیدی کوچک مقیاس در موقوفات و بقاع متبرکه فعال شده که ظرفیت آن به بیش از ۱۹۰۰ کیلووات برق خورشیدی رسیده و با پیگیری تولید ۱۰۰ کیلووات دیگر همچنان مسیر رشد تولید برق ادامه دارد. یکی از تاکیدات و اولویات ابلای نماینده ولی فقیه در سازمان اوقاف و امور خیریه اعلام شده که از سرمایه‌های وقف در جهت ارتقای بهره‌وری وقف خدمت رسانی بیش از پیش به جامعه هدف در موقوفات، کمک به تولید و عرضه مسکن، تولید محصولات

کردستان

سالانه ۸۰ هزار مترمربع فرش در کردستان بافته می‌شود

بختیار خلیقی مدیرکل صنعت، معدن و تجارت کردستان گفته: سالانه ۱۸۰ هزار مترمربع فرش در کردستان بافته می‌شود که نشانگر ظرفیت بالای این استان در زمینه فرش بافی است. ۱۸۰ کارگاه تولید فرش دستباف در این استان فعال است که ۹۵ درصد بافندگان آن بانوان تشکیل می‌دهند و ۱۲ هزار نفر از مجموع بافندگان استان زیر پوشش بیمه تأمین اجتماعی هستند. بهره‌مندی ۱۰ هزار نفر از قالیبافان استان از بیمه تأمین اجتماعی نیازمند تأمین اعتبار است و در حال حاضر ۱۲ هزار نفر در استان از مزایای بیمه تأمین اجتماعی قالیبافان بهره‌مند هستند که ۸ هزار نفر از این تعداد قالیبافان تشکیل می‌دهند.

کردستان دارای ۲ برند جهانی به نام فرش پولادین بیجار و فرش یک پود سنندج است. ثبت ملی دوبرند سنندج و بیجار، مرغوب بودن پشم تولیدی در استان برای بافت فرش، استفاده از رنگ‌های طبیعی، دریافت دو جایزه کلینیک برند کیفیت سوئیس توسط فرش‌بافان استان

این را مدیون چه کسانی هستیم؛ مدیون اولین‌ها!

■ مدیون اولین کسی که به کارتن خواب هم به دید یک انسان نگاه کرد و او را عوضی فنگی معتاد خطاب نکرد.

■ مدیون اولین کسی که به جای لگد زدن به گربه برایش غذا گذاشت [البته با رعایت ملاحظات زیست محیطی و بهداشتی].

■ مدیون اولین نفری که نه تنها زباله خودش که زباله دیگران را جمع کرد.

■ مدیون اولین مدیر مدرسه‌ای که با معلم زورگوی مدرسه درگیر شد و او را اخراج کرد.

■ مدیون اولین معلمی که به ما آموخت حرف دیگران را خوب بشنویم، حتی اگر آن را قبول نمی‌کنیم.

■ مدیون اولین پدر و مادری که پشت بچه‌شان ایستادند و گفتند که اگر می‌خواهی پزشکی انتخاب کنی، نکن و برو به عشقت عکاسی برس.

■ مدیون اولین خانواده‌ای که گفت نظر دخترمان شرط است و به جای او تصمیم نمی‌گیریم.

این آدم‌ها برای اولین بار کاری کردند متفاوت. پس از آن، کم‌کم فهمیدیم که او! می‌شود جور دیگری هم فکر کرد، تصمیم گرفت و زندگی کرد. این‌ها قهرمان‌های ناشناخته این سرزمین اند.

زنان

ضرورت ایجاد درآمد پایدار در روستاها



رضا خواجه‌ای مدیرکل بنیاد مسکن استان زنجان گفته: حفظ هویت فرهنگی و تاریخی روستا، رونق گردشگری و ایجاد درآمد پایدار در روستاها در احیا و بهسازی بافت با ارزش روستایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی به عنوان متولی توسعه کالبدی روستاهای کشور با هدف حفاظت و احیای بافت کالبدی با بهره‌گیری از روش‌های نوین و صیانت از اصالت فرهنگی، تاریخی و کالبدی-فضایی روستاها، شناسایی، مطالعه، طراحی و اجرای طرح بهسازی بافت با ارزش را در دستور کار قرار داده که در این راستا همکاری دستگاه‌های مرتبط برای تأمین زیر ساخت‌ها برای اجرای هر چه بهتر

مازندران

محل امحای زباله‌های عفونی به صورت جداگانه نداریم



کاویان مدیرکل حفاظت محیط زیست مازندران گفته: دانشگاه علوم پزشکی مازندران و بابل بخشی از اطلاعات مربوط به پسماندهای عفونی و پزشکی را در اختیار اداره کل حفاظت محیط زیست قرار داده و ما هم به عنوان ناظر عالی بر نحوه بی‌خطر سازی ورود پیدا می‌کنیم. شرکت‌هایی وظیفه امحا و بی‌خطر سازی این نوع زباله‌ها را دارند. به دلیل افزایش قیمت‌ها با مشکل در این بخش مواجه شدیم، با وجود اینکه بحث قیمت گذاری در حوزه وظایف اداره کل محیط زیست نیست اما برای اقدام درست در این زمینه، با هماهنگی کارشناس رسمی دادگستری در زمینه افزایش قیمت بحث شد که قرار است تا تیرماه سال جاری در این زمینه اظهار نظر شود.

ما چه می‌توانیم انجام دهیم؟

هر کسی می‌تواند یک معلم/مبارز/خط‌شکن باشد. چگونه؟ آنچه خوب است، آنچه منطقی است را به دیگران بیاموزد و خسته نشود. فرهنگ در طول سال‌ها شکل گرفته است و با یک بار گفتن و نشان دادن تغییر نمی‌کند. مطمئنا فرهنگ پدرسالاری و قبیله‌سالاری با سریال «پدرسالار» و فیلم «عروس آتش» تغییر نکرد اما آن کارگردانان در این مبارزه نقش داشته‌اند. اگر اولین نبودیم؛ اولین‌ها (پیشروها) را حمایت کنیم. ظرفیت رشد یک جامعه مرتبط است با دادن امکان متفاوت بودن.

عجالتاً در تنگنای کنونی، ما چهار مسیر در توسعه داریم که پیش روی ما باز است. (اول: نیولوف‌آبی یعنی خلق توسعه‌های کوچک، محلی و محدود، دوم: نئوکراسی یعنی حل مسائل ملی از طریق شبکه‌سازی، سوم: مشق شب یعنی تدوین و تفاهم پیش‌نویس طرح‌ها، برنامه‌ها و قانون‌ها برای روزی که پنجره‌ای باز شود و چهارم: تربیت نسل یعنی تربیت نسلی توسعه‌آفرین، آگاه، توانمند و آینده‌ساز.) استراتژی چهارم را دست کم نگیریم. برتراند راسل زمانی گفته بود: «از خودتان انسانیت به یادگار بگذارید و نه انسان، تولیدمثل را هر جانوری بلد است!» می‌خواهم توصیه کنم به تفاوت تولید مثل و تولید نسل (استراتژی چهارم توسعه) بیشتر بیندیشیم.

انتخاب رئیس سابق دستگاه اطلاعات ملی ترکیه برای وزارت خارجه، پرسش‌های بسیاری را در داخل و خارج این کشور برانگیخته است.

میدل ایست نیوز نوشته است: انتخاب رئیس سابق دستگاه اطلاعات ملی ترکیه برای وزارت خارجه، پرسش‌های بسیاری را در داخل و خارج این کشور برانگیخته است.

به گزارش «العربی الجدید» پیش از اعلام رسمی انتخاب «هاکان فیدان» به وزارت خارجه، اخبار غیر رسمی در این باره منتشر شده بود و همه می‌دانستند که او قرار است جانشین «مولود چاوش اوغلو» شود که اکنون در مجلس به سر می‌برد.

قبل از آن، پیش‌بینی می‌شد که فیدان به جای «سلیمان سوبلو» به وزارت کشور برود چون میان این وزارتخانه و دستگاه اطلاعات ملی تناسب بیشتری وجود دارد و به جای آن «ابراهیم کالن»، سخنگوی ریاست جمهوری ترکیه، به وزارت خارجه بپیاید. تا اینکه کالین به جای فیدان در دستگاه اطلاعات رفت و فیدان در رأس دستگاه دیپلماسی جای گرفت.

«برهان کوراوغلو»، استاد فلسفه سیاسی دانشگاه مرمره، معتقد است که تعیین هاکان فیدان به این مقام بازتاب‌دهنده رویکرد «سده ترکیه» است، ترکیه‌ای که روابط خوب با شرق و غرب دارد، به‌خصوص که فیدان معمار آشتی و ازسرگیری روابط ترکیه با بسیاری کشورها در فاصله ۲۰۱۰ تا اکنون بود و در کمیته چهارجانبه امنیتی مسکو با حضور ایران و سوریه نیز حضور داشت. به نظر کوراوغلو، فیدان روابط گسترده خارجی دارد، هم با کشورهای غربی و هم با کشورهای آفریقایی و شرقی و این شرایط «کاملاً متناسب با برنامه‌های مرحله پیش‌روی ترکیه است»، زیرا ترکیه در این مرحله در پی تقویت روابط با کشورهای عربی و اسلامی است و فیدان بنیان‌گذار آشتی ترکیه با امارات و مصر و عربستان است و نقش اصلی را در روابط با سوریه داشته و نیز موجب تقویت روابط با روسیه و کشورهای غربی شده است.

به نظر این استاد دانشگاه، ویژگی مهم دیگر هاکان فیدان نزدیکی شدید او به اردوغان است در حدی که او

«هاکان فیدان» کیست و انتخاب او به عنوان وزیر خارجه ترکیه به چه معناست؟



را سایه اردوغان و «صندوق سیاه» و فرستاده ویژه وی در بسیاری مأموریت‌های حساس می‌دانند و حضور او در وزارت خارجه به معنای آن است که قرار است ترکیه در این مرحله دیپلماسی قدرتمند را پیش بگیرد. به گفته کوراوغلو، همه مشکلات در روابط خارجی ترکیه پیش از آنکه به وزارت خارجه منتقل شود، در دستگاه امنیتی که فیدان ریاست آن را داشت، حل و فصل شده بود.

هاکان فیدان زاده آنکارا در سال ۱۹۶۸ و تحصیل کرده مدرسه حریبه است و سپس در زمان مأموریت خود در ناتو، تحصیلات عالی خود را در رشته علوم سیاسی و مدیریت در دانشگاه مرینلند پی گرفته است. و همچنین کارشناسی ارشد و دکتری خود را از دانشکده روابط خارجی دانشگاه بیلکنت آنکارا دریافت کرده است.

فیدان مسئولیت‌های گوناگونی از جمله معاون سیاست خارجی و امنیت دستگاه نخست‌وزیری، عضو هیئت مدیره آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، نماینده ویژه نخست‌وزیر، معاون رئیس دستگاه اطلاعات، و نماینده ویژه رئیس جمهور را بر عهده داشت و به مدت ۱۳ سال

صالحه تأکید می‌کند که وزیر خارجه جدید اطلاعات و روابط عمیقی با کشورهای همسایه و اروپا دارد و بهترین فرد برای ارائه ترکیه جدید در مرحله پیش رو است. از سوی دیگر، کسانی انتخاب فیدان به وزارت خارجه را با انتخاب «محمد شمشک» به وزارت دارایی مرتبط می‌دانند، زیرا اردوغان در دهه هفتم زندگی خود است و این آخرین دوره ریاست جمهوری اوست و برای همین می‌خواهد با یک تیم قوی برنامه‌های باقی‌مانده خود را اجرا کند.

انتخاب «علی یرلی کایا» دیپلمات معنطف به جای «سلیمان سوبلو» که شخصیتی با صلابت و قاطع دانسته می‌شد در وزارت کشور نیز در همین راستا دانسته شده است. یرلی کایا متخصص امور پناهنده‌ها و پسران کردها و نیز مسلط به پرونده حیاتی استانبول است.

ناظران می‌گویند که اردوغان به تجربه اقتصادی چین نظر دارد: افزایش تولید، افزایش صادرات، پایین نگه‌داشتن ارزش پول ملی برای به صرفه کردن صادرات، اما از سوی دیگر در عرصه امنیتی به تجربه انگلستان نظر دارد: فعالیت اطلاعاتی هم‌پای دیپلماسی؛ و این بدان معناست که در دوره پیش رو شاهد همکاری گسترده فیدان و کالین خواهیم بود.

انتخاب اردوغان برای وزارت خارجه در ترکیه با رضایت و اتفاق نظر همراه شده است. رسانه‌های ترکیه در این چند روز تأکید بسیاری بر سوابق دیپلماتیک فیدان کرده‌اند: مشاور وزیر خارجه اسبق (داود اوغلو)، مشاور سفیر ترکیه در استرالیا، رئیس آژانس توسعه و هماهنگی ترکیه، عضو هیئت مدیره آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، معاونت ریاست دستگاه اطلاعات و در نهایت ریاست این دستگاه از سال ۲۰۱۰.

در کودتای ناکام علیه اردوغان در سال ۲۰۱۶، فیدان تا ساعت هشت و نیم شب ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۶ در مقر ریاست ستاد ارتش ماند و فقط بیست دقیقه پیش از حمله به این ستاد از آن خارج شد و بدین ترتیب جان سالم به در برد. روزنامه «حریت» ترکیه تأکید کرده که فیدان در ۷ فوریه ۲۰۱۲ نیز از یک ترور توسط «گروه گولن» جان سالم به در برده است.

واشنگتن کاری از پیش نمی‌برد نفوذ روزافزون ایران در قاره آفریقا در برابر دیدگان خیره آمریکا



دسته‌ای از کشورهای متحد آمریکا به راه انداخته است که جسارت عادی سازی روابط با اسرائیل را داشته‌اند؛ یکی از این کشورها سودان است. ایران علاوه بر ایجاد شبکه گسترده سلاح در شاخ آفریقا، که به تهران امکان ارسال جنگ‌افزار به کشورهای این قاره را می‌دهد، ظاهراً در حال برنامه‌ریزی برای افزایش چشمگیر فروش پهپاد به کشورهای آفریقایی است. شواهد این طرح را می‌توان در دخالت ایران در جنگ داخلی اتیوپی و فروش مهاجر ۶ به ارتش این کشور دید. موضوعی که بر کسی پنهان نیست و کارآمدی آن برای دولت اتیوپی بسیار جذاب از کار درآمد.

در نگاه به آینده، آفریقا همچنان هدف جذابی برای سیاست ایران محسوب می‌شود. آمریکا در نبود یک برنامه به دقت اندیشیده شده، از توان چندانی برای بیرون راندن تهران از آفریقا و جلوگیری از هماهنگ شدنش با چین و روسیه برخوردار نخواهد بود. بنابراین چنانچه دولت جوبایدن به فکر مقابله با نفوذ ایران است باید برای نفوذ این کشور در آفریقا نیز برنامه‌ای ببیند. ایشورای آتلانتیک-دیپلماسی ایرانی (افق) اقتصاد تمام محتوا را تأیید نمی‌کند و به سبب اهمیت موضوع صرفاً بازتاب‌دهنده این مطلب است |

در بحث بر سر رقابت قدرت‌های بزرگ در آفریقا، یک معادله نادیده گرفته می‌شود: ایران. موضوعی که توسط دولت‌های اخیر ایالات متحده آمریکا نادیده گرفته شده است، نفوذ فزاینده ایران در قاره آفریقا است که نیاز به فرموله کردن رویکرد کارآمدی است که آزادی عمل ایران در این قاره را محدود کند. ایران به آفریقا به عنوان یک «میدان نبرد» نفوذ، قدرت و قلمرو علیه عربستان سعودی می‌گردد و همچنین در پی مقابله با نفوذ غرب و بویژه ایالات متحده آمریکا در آفریقا است و با عناصری همکاری می‌کند که مخالف استعمار هستند و پیگیری یک مسیر مستقل تر خارج از نفوذ استعمارگرهای غربی هستند. از این گذشته ایران در تلاش است تا شبکه جهانی سازمان‌های مذهبی و فرهنگی خود، از جمله دانشگاه‌ها و خیریه‌ها، ایجاد کند تا نفوذ خود بر اقلیت‌های شیعه در آفریقا را افزایش دهد و آنها را برای حمایت سیاسی، جمع‌آوری کمک و حتی استخدام در فعالیت‌های نظامی احتمالی خود، به کار گیرد.

علاوه بر سلائق سنتی ایران به آفریقا، چندین زمینه تازه هم پدید آمده که ضروری است در چارچوب درک نفوذ و تحکیم منافع ایران در آفریقا مورد توجه و ارزیابی قرار گیرد. نخستین و مهمترین آنها، کارزاری است که تهران علیه آن

کوزوو قلب اروپا را به آتش می‌کشد؟ آتشفشان بحران بالکان

محمدخلیفه



بین‌المللی حافظ صلح ناتو نمی‌توانند مانع از تجاوز صربستان شوند؛ زیرا به قطعنامه جدید شورای امنیت نیاز دارند و غرب در سایه وجود روسیه در این شورا به این قطعنامه دست نخواهد یافت. از این رو غرب در راستای وادار کردن کوزوو به سمت عضویت در ائتلاف ناتو فعالیت می‌کند تا این ائتلاف توجیهی برای مداخله داشته باشد؛ اما کشورهای در این ائتلاف وجود دارند که استقلال این اقلیم را به رسمیت نشناخته‌اند که عبارتند از اسپانیا، یونان، قبرس، اسلواکی و رومانی. از این رو این کشورها با پیوستن کوزوو موافقت نخواهند کرد تا زمانی که استقلال آن را به رسمیت نشناسند. در سایه این واقعیت پیچیده کشورهای غربی اصلی به ویژه ایالات متحده آمریکا و انگلیس در برابر چالشی بزرگ قرار دارند؛ چرا که از یک سو الحاق دوباره آن به صربستان را قبول نخواهند کرد و از سوی دیگر هیچ توجیه قانونی برای مداخله در هرگونه درگیری‌ای را ندارند که ممکن است میان صربستان و آلبانی رخ دهد و اگر وی مداخله پافشاری کند احتمالاً جنگی بین‌المللی رخ دهد؛ زیرا روسیه مداخله خواهد کرد و از صربستان حمایت می‌کند و این جنگ‌ها را به قلب اروپا بازمی‌گرداند و این امری است که اروپایی‌ها در راستای پرهیز از آن تا آنجا که بتوانند کار می‌کنند. /الخلیج-دیپلماسی ایرانی

اتفاقات تأثیرگذار در قاره اروپا یکی پس از دیگری در حال رخ دادن است. پس از درگیری روسیه و اوکراین در شرق این قاره، رویدادهای دلخراشی در قلب این قاره یعنی در بالکان به سرعت در حال وقوع است و وقوع جنگ‌های ویرانگر جدیدی را هشدار می‌دهد. به نظر می‌رسد مشکل کوزوو مانند آتش زیر خاکستری است که ممکن است به وقوع انفجاری بزرگی در قلب اروپا منجر شود. این هفته درگیری خطرناکی میان اقلیت صرب در شمال کوزوو و نیروهای ارتش و پلیس این منطقه رخ داد بعد از این که این اقلیت که ده درصد ساکنان آن را تشکیل می‌دهند انتخابات محلی شهرداری‌ها را در ماه آوریل تحریم کردند و این امر باعث شد سیدرهبان هارپر شورای شهرداری‌ها باشد. صربستان همچنان حتی اگر خلاف آن را نشان دهد بر این منطقه پافشاری دارد و آن را بخش جدایی‌ناپذیر خاک خود می‌داند و می‌گوید که اعلام استقلالش نقض توافقی بوده است که در پایان جنگ‌های یوگوسلاوی سابق به آن دست یافته شده بود. روسیه در این مسئله از صربستان حمایت می‌کند و کوزوو را اکنون به عنوان یک دولت مستقل به رسمیت نشناخته و در صورت وقوع درگیری مسلح میان صربستان و کوزوو مسئله‌ای که قابل پیش‌بینی است نیروهای

انتظار افزایش تعاملات حتی قبل از تکمیل راه آهن رشت - آستارا رشد چشمگیر انتقال کالا در کریدور شمال جنوب



۱٫۳ میلیارد یورو از ۱٫۶ میلیارد یورو مورد نیاز را ارائه خواهد کرد. فرض بر این است که در ابتدا این بخش ساخته شود. قرار است، این پروژه تا پایان سال ۲۰۲۷ میلادی، تکمیل شود و پس از آن، حجم تحویل در مسیر غربی کریدور به ۱۵ میلیون تن افزایش یابد.

برای تحریک حمل و نقل کانتینرها، راه آهن های قزاقستان، ترکمنستان و ایران نرخ های کاهش یافته یکنواختی را برای استفاده از زیرساخت ها برای سال ۲۰۲۳ تا ۲۰۱۵ تا ۰٫۱۸ دلار به ازای هر TEU-km و ۰٫۲۴ دلار برای هر FEU-km ارائه کرده اند. در سال جاری، ترافیک بار در مسیر شرقی از ۱ میلیون تن فراتر خواهد رفت و پیش بینی می شود، در سال ۲۰۲۵ میلادی، به ۷ تا ۵ میلیون تن برسد.

انتظار می رود، رشد ترافیک محموله در امتداد "ITC شمال - جنوب" ادامه یابد. در مجموع، به نظر می رسد که وضعیت محدودیت های صادراتی علیه روسیه افزایش یابد، بنابراین تقاضای حمل و نقل در این مسیر، از جمله به دلیل گسترش فهرست خدمات لجستیکی موجود، به رشد خود ادامه خواهد داد. با وجود محدودیت های زیرساختی، رشد حتی قبل از تکمیل قطعه رشت - آستارا ادامه خواهد داشت. / کامرست- دیپلماسی ایرانی

ناتالیاسکورلیگینا

حمل و نقل ریلی در امتداد ITC شمال - جنوب در پنج ماهه سال ۲۰۲۳ میلادی، بیش از ۴۰ درصد رشد کرد و به ۴ میلیون تن رسید. بیشتر حجم از مسیر غربی می رود، جایی که هنوز اتصال ریلی پیوسته وجود ندارد. در جهت شرق و ماوراء خزر، رشد بیش از ۸۰ درصد است، اما حجم آن هنوز نسبتاً کم است. با توجه به تشدید محدودیت های صادراتی از سوی کشورهای غربی، تحلیلگران پیش بینی می کنند که رشد تقاضا در مسیر ایران حتی قبل از تکمیل راه آهن رشت - آستارا ادامه یابد.

حمل و نقل در امتداد کریدور حمل و نقل بین المللی (ITC) "شمال - جنوب" در ژانویه تا مه به ۴ میلیون تن رسیده که ۴۱٫۸ درصد افزایش یافته است. سهم اصلی در مسیر غربی اتصال روسیه به ایران از طریق آذربایجان ۳٫۶ میلیون تن (افزایش ۳۷٫۹ درصد) است. در راهروهای دیگر، پویایی بیشتر است، اما حجم حمل و نقل بار کمتر است. به این ترتیب، ۳۵۳٫۵ هزار تن در مسیر شرق از طریق ترکمنستان و قزاقستان (۸۰٫۳ درصد افزایش) حمل شد.

روسیه و ایران در ۱۷ ماه مه، توافقنامه ای را برای تامین مالی قطعه رشت - آستارا امضا کردند. مسکو یک وام دولتی به مبلغ

بیم و امیدهای عشق آباد تشدید رقابت بر سر خطوط ترانزیتی ترکمنستان

این کشورها قصد داشته باشند کمک و سرمایه گذاری خود را به مواضع ژئوپولیتیک ترکمنستان مشروط سازند. دست کم، برخی از قدرت های خارجی این احتمال را تقویت می کنند که بخواهند با فشار بر عشق آباد، ترکمنستان را به مدار خود بکشانند. در واقع، نشانه هایی هم از این تحول پدیدار شده است. رقابت کشورهای برای سهم جستن در پروژه های توسعه خطوط راه آهن ترکمنستان، بیشتر از هر زمینه دیگری به چشم می خورد؛ در دهه گذشته، چین، روسیه و ایران بیشترین سهم را در این زمینه داشته اند اما بازیگران منطقه ای، از جمله تاجیکستان، ازبکستان و افغانستان هم مطرح هستند. همچنین، سرمایه گذاران و دولت هایی از دورترین مناطق مانند هند و ایالات متحده نیز به شرکت در این رقابت پیوسته اند. ترکمنستان در حال حاضر کمتر از ۴ هزار مایل خط راه آهن دارد، اما با کمک خارجی طی دو سال آینده قصد دارد این شبکه را به بیش از ۶ هزار مایل افزایش دهد. بیشتر مسیرهای یک طرفه هستند، هنوز الکتریکی نیستند و همگی به عرض استاندارد دوران سوسیالیستی روسیه هستند، نه به عرض استاندارد بین المللی یا ترکیبی.

علاوه بر این، آنها در دو باند از امتداد مرزهای شمالی و جنوبی ترکمنستان متمرکز شده اند، اما برنامه هایی برای ساخت خطوط جدید و اتصال این دو باند و باز کردن راه برای تردد بیشتر شمال - جنوب وجود دارد. / اندیشکده جیمز تاون - دیپلماسی ایرانی



که هر چه شمار بیشتری از کشورها در این حوزه فعال باشند، فرصت بیشتری برای توسعه اقتصاد و سیاست خود خواهد داشت. شاید اینگونه باشد اما اکنون رقابتی شدید بین کشورهای با دستور کارهای متفاوت برای نفوذ بر عشق آباد شکل گرفته و نیز اطمینانی نیست که شرکت آنها در این حوزه به رقابت های جدی تر نکشد. دولت ترکمنستان از یک سو ممکن است این رقابت را تا یک حد مناسب بپذیرد چرا که احتمالاً بسیاری از این دولت ها بخواهند با ارائه کمک های بیشتر، منافع خود را پیش ببرند؛ اما از سوی دیگر، ممکن است از این رقابت بیم داشته باشد، به ویژه اگر

پل گلوب

ترکمنستان از سال ۱۹۹۱ به دلیل رویکرد بین المللی غیرفعال و پایبندی عشق آباد به نوعی بی طرفی، از جهان جدا مانده بود و از جمله در بسیاری از مجمع های چند جانبه شرکت نمی کرد. به این ترتیب ترکمنستان به طور مداوم در بحث های مربوط به آسیای مرکزی نادیده گرفته می شد.

این روند اما به سرعت در حال تغییر است. از یک سو، در پی تغییراتی در سلسله مراتب رهبری این کشور، دولت ترکمنستان به طور فزاینده ای در فعالیت های دیپلماتیک خود فعال شده است. از سوی دیگر، هم خود ترکمنستان و هم جامعه بین المللی بیشتر به این دریافت می رسند که موقعیت جغرافیایی ترکمنستان، آن را به یکی از مهم ترین مسیرهای حمل و نقل منطقه، یعنی مسیر شمال - جنوب - مورد علاقه روسیه - و مسیر شرق - غرب، که چین و غرب آن را ترجیح می دهند - تبدیل کرده است. به همین دلیل، کشورهای بیشتری از جمله روسیه، چین، ایران، هند و ایالات متحده در ترکمنستان دخیل شده اند - عمدتاً هم اولویت اصلی کشورهای مذکور، بحث های مربوط به توسعه مسیرهای حمل و نقل از گذر ترکمنستان آن است. عشق آباد با تلاش برای حفظ بی طرفی و استقلال خود، تلاش می کند کشورهای هر چه بیشتری را در توسعه این مسیرهای ترانزیتی شرکت دهد و باور دارد

چین و روسیه، ایران را به هسته ای شدن ترغیب می کنند بازی هوشمندانه ایران برای بهره برداری از خلاء امریکای منزوی

بی تدبیر و بی رحمی باشد اما در پذیرش آسنتی با تهران که با میانجیگری چین ساخته و پرداخته شد، سنجش معقولی داشت. او متوجه است که نظام ایران در حال دستیابی به توانایی سلاح هسته ای است، بنابراین تلاش می کند با دوستان ایران نزدیک باشد. امیرنشین های کوچک خلیج فارس که همیشه تمایل به آرامش و آسنتی داشته اند، احتمالاً همین راه را با امتیازهای خود دنبال خواهند کرد. خاورمیانه، بدون حضور آمریکا، خود را سروسامان می دهد.

در تمامی این مانورها، رهبر جمهوری اسلامی ایران، نقش دارد؛ چهره ای که در دستگاه سیاسی جمهوری اسلامی بالا آمد و کشور خود را در میان انبوه دشمنان مرگبارش رهبری کرد. هنگامی که او اخیراً گفت که "آمریکا می خواست با استفاده از فشار تحریم، مسئله هسته ای را نظور که دلخواه خودش بود، خاتمه دهد اما شکست خورد"، همچون همیشه، سردوواقع گرا بود. مشکلات داخلی بی پایان ایران ممکن است او و نظامش را به تنگنا وارد کرده باشد، اما این چهره برجسته روحانی، کاری را کرد که تنها حکمرانان بزرگ می توانند انجام دهند: اینکه با دستی ضعیف، بازی هوشمندانه ای انجام داد.

/ وال استریت ژورنال - دیپلماسی ایرانی
نویسنده: Reuel Marc Gerecht / مأمور پیشین سیا در زمینه ایران، بنیانگذار و پژوهشگر مقیم در بنیاد تندروی دفاع از دموکراسی / Ray Takeya / عضو ارشد شورای روابط خارجی.

به منافع آمریکا در خاورمیانه و در سراسر جهان خواهد زد. بیست سال است که دولت های آمریکا تاکید کرده اند که هیچگاه به ایران اجازه دستیابی به سلاح هسته ای داده نخواهد شد. هنگامی که ایران این کار را انجام دهد، ته مانده هیبت آمریکا در خاورمیانه هم بخار خواهد شد. نیاز چین به نفت خاورمیانه نیز منطقه را آشفته کرده است. شی جین پینگ، رئیس جمهوری چین تقریباً هیچ اشاره ای به ناخرسندی از جنگ پوتین برای بلعیدن اوکراین نداشته است، جنگی که موجب بی ثباتی دومین شریک تجاری چین یعنی اتحادیه اروپایی می شود. بمب هسته ای ایران همچنین می تواند خروج آمریکا از خاورمیانه را سرعت دهد. طبقه سیاسی آمریکا همیشه نسبت به ایده حمله نظامی به تاسیسات هسته ای ایران آرزوی داشته است. تصور ش دشوار نیست که چه بسا آنها به این استدلال برسند که بمب هسته ای ایران، چندان تأثیری بر موازنه کلی قدرت نخواهد داشت. یک منطق متعارف رو به رشد در واشنگتن، چرخش به آسیا توصیه می کند.

محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی، ممکن است انسان قدرتمند آمریکا هستند. آنها درمی کنند که برای دستیابی به اهداف مشترک، نیاز دارند به یکدیگر در بخش های نظامی و اقتصادی کمک کنند. به همین دلیل جمهوری اسلامی ایران فن آوری پهپاد و توپخانه به روسیه می دهد تا در جنگی به کار گرفته شود که در نگاه نخست، هیچ منافع اسلامی انقلابی ای در آن نیست. به سختی می شود باور کرد که چنانچه تهران کاستی ای در مهندسی هسته ای داشته باشد، روسیه ای که آماده تحویل جنگنده های پیشرفته Su-۳۵ و سامانه های دفاع هوایی پیشرفته تر به ایران است، از ارائه تجارب و فن آوری هسته ای به نظام اسلامی ایران رویگردان شود.

برای زمانی دراز، نهادهای سیاست خارجی غرب، این آرامش خاطر را داشتند که روسیه و چین خواهان یک ایران هسته ای نیستند. اما ولادیمیر پوتین هیچ مشکلی با بروز یک بحران هسته ای در خاورمیانه نخواهد داشت، اگر این مسئله موجب انحراف توجه از جنگ اوکراین نشود. روسیه هم به مانند آمریکا، دهه هاست که با کشورهای مجهز به سلاح هسته ای در نزدیکی خود زندگی کرده است. تنها نکته تازه این است که بمب اتمی ایران، ضربه شدیدی

ناتالیاسکورلیگینا

ایران برای نخستین بار در چهار دهه گذشته، از حمایت قدرت های بزرگ برخوردار شده است. تهران دارای سانترفیوژهای پیشرفته، یک انباشت فزاینده از اورانیوم غنای بالا و کادری اصیل از فیزیکدانان و مهندسان هسته ای است. احتمالاً هیچ مانع فنی چشمگیری هم پیش روی نظام مذهبی ایران، برای حرکت به سوی سلاح هسته ای وجود ندارد. اتحاد های رو به توسعه ایران با روسیه و چین نیز به پیشرفت هسته ای تهران یاری رسانده است.

در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما، همزمان با سرعت گرفتن برنامه هسته ای ایران، آمریکا و اروپا تحریم های فراوانی را بر ایران وضع کردند که گاه نیز با همراهی چین و روسیه انجام می شد. امروز، شرایط ژئوپولیتیک - همچنین محاسبات هسته ای رئالیستیک (سیاست واقعی) - برای جمهوری اسلامی بسیار دوستانه تر است. تجاوز روسیه به اوکراین روشن کرد که ولادیمیر پوتین علاقه ای به نظم جهانی تحت رهبری اروپا و آمریکا ندارد. چین نیز از موقعیت «سهامدار مسئول» در سامانه تجاری لیبرال و دموکراتیک، عقب نشینی کرده، تلاش دارد نسخه خود برای ایجاد محدوده همکاری و توسعه شرق آسیا را پیاده کند که تا حدود زیادی با هدف سلطه بر تایوان طراحی شده است. این ائتلاف تجدید نظر طلب، تنهایی راهبردی ایران را به پایان رسانده است. روسیه، چین و ایران همگی خواهان زایل کردن



«تصویر بزرگ»

صنعت خودروسازی بخش دوم

سیماکوشان

در مسیر حل مسأله، رسیدن به سوالات درست به منزله پیمودن بخش مهمی از راه است و تعمق در آنها هم کمک شایانی به حل مسائل می کند. قصد داریم در ابتدا به بیانی ساده و قابل فهم سوالاتی بنیادین را مطرح کنیم و رفته رفته به پاسخ‌ها برسیم تا این گونه به تصویری روشن‌تر و بزرگ‌تر از صنایع کشور نزدیک شویم. درباره خودروسازی کشور، در کشاکش بحث‌هایی درباره‌ی میزان تولید، نحوه قیمت‌گذاری و فروش خودروپراختن به مسائل بنیادی تر مبتلا به این صنعت کشور، معمولاً از قلم می افتد. با افتادن در دام چرخه‌های تکراری مسائل از یاد می‌روند و این چنین در بر همان پاشنه می‌چرخد و خوب که نگاه کنی می بینی از کل نگری غافل شده ایم و عمدتاً نگاه جزیره‌ای بر فضای تولید و اظهار نظرها درباره‌ی سیاست‌ها و فرایندها حکم فرماست. این قدمی کوچک است برای رسیدن به تصویر بزرگ و واقع بینانه از جایی که هستیم.

■ آیا زبان انباشته ۱۳ هزار میلیارد تومانی صنعت خودرو فقط ناشی از نقدینگی و قیمت‌گذاری دستوری است؟

■ آیا هدف گذاری تولید ۱ میلیون ۷۰۰ هزار خودرو در سال تمام توجه سیاست‌گذار رو به خودش معطوف و افق دید او را محدود کرده است؟

■ خودروسازی چند درصد از تولید ناخالص داخلی کشور را پوشش می‌دهد؟

■ آیا ایران خودروسایایی مثل سیتروئن و پژو فرانسه هستند؟

■ در ایران و جهان ده سال آینده خودروسازی ایران در چه نقطه‌ای ایستاده؟

■ آیا خودروسازی ایران می‌تواند روزی به سطح رقابت با هیوندای برسد؟ به رقابت با فورد چطور؟

■ چشم انداز خودروسازی ایران چیست؟

■ ارزش افزوده خودروی ایرانی نسبت به خودروهای جهانی چیست؟

■ خودروسازی ایران در بهترین حالت چقدر توان رقابت در بازارهای جهانی را دارد؟

■ در ده سال آینده کدام بازارها برای خودروسازی ایران مناسب‌ترند؟

■ محدودیت‌های تولید و نحوه قیمت‌گذاری خودرو چه تأثیری بر کیفیت خودروهای تولید شده گذاشته است؟ به عبارتی تصور کنید که می‌دانید حدودی برای قیمت و استفاده از مترشال اولیه دارید. از این‌روا کیفیت می‌زید تا بتوانید ترازهای تعیین شده را رعایت کنید!

■ در صنعت خودروسازی حقوق مصرف‌کننده چقدر رعایت می‌شود؟

■ مصرف‌کننده چقدر انتخاب دارد؟ چه عواملی انتخاب مصرف‌کننده را محدود کرده یا می‌کند؟

■ مصرف‌کننده چه ملاحظاتی نسبت به صنعت خودروسازی کشور می‌تواند داشته باشد؟

■ چرا خودرو انقدر سخت به فروش می‌رسد؟ صرفاً چون تقاضا بالاتر از عرضه است؟

■ با توجه به ظرفیت تولید فولاد، صنایع آب و ظرفیت تأمین مواد اولیه برای خودروسازی، ظرفیت تولید واقع بینانه و منطبق بر اصول زیست محیطی خودروسازی کشور چقدر می‌تواند باشد؟

■ اساساً اندازه صنعت خودروسازی کشور با توجه به پیشینه

رقبای جهانی در این زمینه چقدر باید باشد؟

■ اگر خودروسازی نداشته باشیم... چه اتفاقی می‌افتد؟

■ اساساً پا گرفتن و ادامه روند خودروسازی در ایران چقدر واقع بینانه است؟

■ تصویر مطلوب از آینده‌ی خودروسازی کشور چیست؟

■ سناریوهای مختلف خوب و بد بالقوه درباره آینده صنعت خودروسازی کشور کدام است؟

■ چه ارتباطی بین برند ایران، تصویر ایران و تصویر خودروی ایرانی وجود دارد؟

تأثیر تحریم‌ها بر تولید

طبق آمار وزارت صمت در حال حاضر حدود ۱۳ میلیون و ۲۷۶ هزار خانوار ایرانی فاقد خودروی شخصی هستند؛ یعنی تقریباً نیمی از خانوارهای کشور (۴۶ درصد) خودرو ندارند. سعید مومنی رئیس اتحادیه نمایشگاه داران و فروشندگان خودروی تهران در این ارتباط به مهر می‌گوید: «متأسفانه از سال ۹۷ به این سو بالغ بر ۵۰ درصد نیاز کشور بدون پاسخ ماند و متولیان نیز راهکاری برای رفع این مشکل به کار نگرفتند.» بنابراین به نظر می‌رسد آنچه که از همه موارد در صنعت خودروسازی کشور پررنگ‌تر بوده مربوط به عدم توجه به حقوق مصرف‌کننده می‌شود چرا که اگر مصرف‌کننده به عنوان یک رکن اصلی در این صنعت شناخته می‌شد قطعاً هم کیفیت محصولات بالا می‌رفت و هم در این سال‌ها با تدبیری نیاز بازار پاسخ داده می‌شد.

بر همین اساس نیز بررسی وضعیت صنعت خودروسازی در دنیانشان می‌دهد عمده خودروسازان و قطعه‌سازان به صورت یک زنجیره به هم متصل هستند و اگر این زنجیره از هم گسسته شود خودروساز نمی‌تواند فعالیت خود را به خوبی انجام دهد. برخی از کارشناسان این صنعت نیز معتقدند مشکلات خودروسازی در ایران از زمان آغاز تحریم‌ها شروع شده است و اگر کشوری توانسته در این صنعت حرفی برای گفتن داشته باشد به دلیل اتصال به بزرگان خودروسازی در دنیا است.

ممنوعیت واردات

اگرچه ناپهنجاری‌های زیادی در صنعت خودرو وجود دارد اما ممنوعیت واردات نیز چالش‌ها را دوچندان کرده گونه‌ای که این صنعت طی سنوات اخیر به ویژه ۳ سال گذشته مورد انتقاد مردم و مسئولان در سطوح مختلف قرار گرفت؛ میزان نارضایتی از خودروسازی به قدری گسترده شده که حتی دهم بهمن ماه سال ۱۴۰۰، رهبری نیز در جمع تولیدکنندگان، ضمن انتقاد از وضعیت صنعت خودروی کشور، تأکید کردند که «حمایت‌های عملی و تبلیغاتی از تولید داخلی باید منجر به ارتقای کیفیت محصولات و همچنین ارتقای فناوری شود اما متأسفانه در برخی صنایع به ویژه در صنعت خودرو به موضوع کیفیت توجه نمی‌شود و مردم نیز بحق به آنها اعتراض دارند. اگر با وجود فضای حمایتی از تولید داخل، به جای ارتقای کیفیت، قیمت‌ها افزایش یابد، مسئله بدی است زیرا نتیجه همه حمایت‌های دولتی، بانکی و جلوگیری از رقابت‌های خارجی، عملاً منجر به بالا رفتن قیمت شده است.»

انحصار

همانطور که کارشناسان اقتصادی عنوان می‌کنند، انحصار در هر صنعت و حوزه‌ای موجب شکل‌گیری یک فضای گلخانه‌ای

شده و عملاً آن فضای تنه‌ضد تولید عمل می‌کند بلکه ناکارآمدی گسترده‌ای را نیز به همراه خود می‌آورد؛ به گونه‌ای که تولیدکننده با تصور اینکه بازار تماماً در اختیار اوست اقدام به عرضه قطره چکانی محصولات بی کیفیت خود می‌کند زیرا یقین دارد که بازار در اختیارش قرار دارد و هر طور که رفتار کند، مصرف‌کننده کاری از پیش نخواهد برد.

بنابراین می‌توان گفت اتفاقی که امروز در صنعت خودروی کشور رخ داده یکی از نتایج ایجاد فضای گلخانه‌ای در این صنعت است؛ به این معنا که اگر چه به مرور تکنولوژی دنیا و سلیقه مصرف‌کننده به سمت دیگری حرکت کرده اما تولیدکننده تمامیت بازار را با خیالی آسوده در دست گرفته و مصرف‌کننده نیز برای رفع نیاز خود مجبور به خرید محصولات عرضه شده به بازار است. در این شرایط علاوه بر عقب‌گرد در تولید و نارضایتی مردم، به دلیل عرضه قطره چکانی خودرو و البته نوسانات ارزی دلالت‌هایی نیز تقویت شده و قیمت‌ها روز به روز از واقعیات اقتصادی دورتر شده‌اند.

پس از نهایی شدن کارهای قانونی واردات، طبق اعلام وزارت صمت بیش از ۴۰۰ شرکت متقاضی واردات خودرو شدند که از میان آنها در نهایت ۱۳ شرکت ۱۰۰ هزار خودرو ثبت سفارش کردند.

پس از لغو عرضه خودرو در بورس، وزارت صمت با استفاده از سیستم نوبت دهی اقدام به ثبت نام از متقاضیان دریافت خودروی وارداتی کرد که در نهایت از بین ۱۲۰ هزار ثبت نام کننده، بین ۳۴ هزار نفر قرعه کشی انجام شد.

عرضه و تقاضا

یکی از عمده مشکلات صنعت خودروسازی کشور که گریبان مصرف‌کنندگان را نیز گرفته است مربوط به عدم تناسب بین تولید و تقاضا می‌شود. متأسفانه طی سالیان اخیر تولید خودرو بنا به دلایلی همچون تحریم، شیوع کرونا، ناکارآمدی مدیران، پایین بودن بهره‌وری و... به یک دوم ظرفیت خود رسید و تقاضاهای واقعی بدون پاسخ‌ها شد؛ تا جایی که امروز شاهد جولان دلالتان و سوداگران در بازار خودرو و پیشی گرفتن تقاضای کاذب از تقاضای واقعی هستیم.

رسول سلیمانی کارشناس صنعت خودرو در گفت و گویا خبرنگار مهر در پاسخ به این سوال که آیا وعده تولید یک میلیون و ۷۰۰ هزار دستگاه خودرو تا پایان سال محقق می‌شود، گفت: تولید ۱۰۶ تا ۱۰۷ میلیون دستگاه خودرو در سال جاری چندان دور از دسترس نیست و در صورتی که وزارت صمت برنامه ریزی مدونی داشته باشد می‌توان امیدوار بود که تا پایان سال این عدد محقق شود.

وی با بیسان اینکه افزایش تولید خودرو نیازمند پیش شرط‌هایی است، افزود: با توجه به اینکه در سال‌های قبل این حجم از خودرو در کشور تولید شده است بنابراین ظرفیت تولید از نظر فنی موجود است منتیبه اصلی‌ترین پیش شرط برای تحقق آن، تأمین نقدینگی و منابع مالی تولید است. در این راستا قیمت‌گذاری خودرو باید به صورتی باشد که خودروساز زیان نکند و توان تداوم تولید را داشته باشد.

سلیمانی اضافه کرد: همکاری ایران خودرو و سایپا با شرکت‌های خصوصی نیز از دیگر پیش شرط‌های افزایش تولید است زیرا دستگاه‌های پرس و خطوط رنگ در ایران

خودرو و سایپا محدود هستند بنابراین اگر برای همکاری میان شرکت‌های داخلی قالب خوبی تعریف شود می‌توان به افزایش تولید امیدوار بود.

وی ادامه داد: از سویی دیگر با این سیاست ارزی هم کاهش می‌یابد. سال گذشته شرکت‌های مونتاژ کار ۳.۵ میلیارد دلار برای واردات قطعات هزینه کردند که عدد بالایی است. همچنین حدود ۵ میلیارد دلار برای تولید و قطعات

یدکی در شرکت‌های داخلی ارز صرف شد. سلیمانی گفت: توقف تولید خودروهای قدیمی بسیار ضروری است زیرا نباید کیفیت افادای افزایش تولید کنیم توقف تولید خودروهای قدیمی بسیار ضروری است زیرا نباید کیفیت افادای افزایش تولید کنیم. اولین رسالت یک شرکت تولیدکننده این است که کالای با کیفیت و ایمن را تحویل مصرف‌کننده دهد. بنابراین همزمان که خودروی جدید تولید می‌شود باید خودروهای قدیمی از رده خارج شوند.

وی تصریح کرد: با شناور کردن قیمت خودرو می‌توان این چالش را حل کرد زیرا چاره‌ای هم نیست. اگر شناورسازی انجام نشود بعداً با جهش‌های قیمتی رو به روی می‌شویم که جبران‌ناپذیر است.

سلیمانی گفت: در واقع باید سیاست‌هایی اتخاذ شود که متناسب با نرخ تورم اجازه دهیم قیمت خودرو تغییر کند و حتی اگر قیمت‌گذاری دستوری هم انجام می‌دهیم در فواصل زمانی منطقی، قیمت‌های جدید را تعیین کنیم تا تورم، تولید را زیر نگیرد.

شیوه‌های فروش

سعید مدنی کارشناس صنعت خودرو و مدیرعامل اسبق خودروسازی کشور می‌گوید: تاکنون شیوه‌های مختلفی برای فروش خودرو تست شده است؛ قبلاً خودروسازان از طریق سامانه‌های قرعه کشی خودشان، خودرو می‌فروختند و بعد این سامانه تبدیل به سامانه یکپارچه شد و در ادامه نیز با ورود شورای رقابت به مسأله قیمت‌گذاری خودرو، سامانه یکپارچه فروش خودروهای داخلی محل عرضه محصولات شد. با این شیوه‌ها علاوه بر اینکه تعهدات سنگینی برای خودروسازان ایجاد شد، شاهد افزایش تقاضای کاذب هم بوده ایم. در واقع در شیوه‌های فروش سامانه‌ای درصد بسیار کمی از مصرف‌کنندگان واقعی با قیمت کارخانه توانستند خودرو بخرند و بیش از ۹۰ درصد تقاضا برای سوداگری و حفظ ارزش پول و... بود.

از سویی دیگر فروش از طریق سامانه یک‌فروش غیرشرعی و غیرعرفی است زیرا قیمت‌هایی این خودروها مشخص نیست. به نظر می‌رسد این شیوه صرفاً تبدیل به بودجه‌ای برای تأمین کمبودها شده است.

به دلیل اینکه گردش نقدینگی خودروساز با این شیوه‌های فروش، افزایش نیافته، تولید خودرو نیز با زیان زیادی همراه شده است.

در حالت نسبتاً عادی خودروساز مبلغ بیش فروش را می‌گیرد و با این نقدینگی قطعه می‌خرد و به تولید خودرو می‌پردازد اما این ۱۰۰ میلیون تومان‌ها که در بانک بلوکه شدند اصلاً به دست خودروساز نرسید و پول صرفاً در بانک ماند. بنابراین روش سامانه یکپارچه برای افزایش تولید هم مناسب نیست



پیشنهاد ویژه

چقدر بیت کوین نیاز دارید

که تا پایان سال ۲۰۲۵ پولدار محسوب شوید؟

حامد توانای آزاد

شما نیز احتمالاً تاکنون داستان‌های موفقیت سرمایه‌گذاران ارزهای دیجیتال را شنیده‌اید. برخی از این افراد با سرمایه‌ای اندک به این بازار جذاب و پرنوسان وارد شده‌اند و مدتی بعد میلیون‌ها دلار سود به دست آورده‌اند و بعضی از این ثروتمندان حتی کمتر از ۲۰ سال دارند. اگر با خواندن این داستان‌ها به سرمایه‌گذاری در ارزهای دیجیتال علاقه‌مند شده‌اید، مهم است بدانید که همه سرمایه‌گذاران و هولدرهای بازار میلیونر نمی‌شوند؛ زیرا به درستی نمی‌دانند که باید چه میزان ارز دیجیتال بخرند و چگونه در این بازار سرمایه‌گذاری کنند. اگر به طرفیت رشد بلندمدت ارزهای دیجیتال اعتقاد دارید، بیت کوین (BTC) می‌تواند یکی از بهترین گزینه‌ها باشد و میزان بیت کوین مورد نیاز شما برای ثروتمند شدن، موضوعی است که در ادامه آن را بررسی می‌کنیم. آمار مرتبط با تعداد بیت کوین‌های مورد نیاز که در این مطلب مطالعه می‌کنید، ترجمه‌ای از یادداشت منتشر شده در سایت مدیوم است. با ما تا پایان مقاله همراه باشید.

بیت کوین؛ محبوب‌ترین ارز دیجیتال پرنوسان بازار

در این مقاله، سرمایه‌گذاری چندین ساله را بررسی می‌کنیم. سرمایه‌گذاری بلندمدت که به آن هولدر یا هولد (HODL) گفته می‌شود، فرایندی است که در آن سرمایه‌گذار ارز دیجیتال خود را برای طولانی مدت ذخیره می‌کند و این موجودی را در این بازه زمانی نمی‌فروشد. اولین قدم برای بررسی تعداد بیت کوین‌های مورد نیاز این سرمایه‌گذاری، تخمین قیمت این ارز دیجیتال در آینده است. برای پیش‌بینی قیمت آینده بیت کوین، می‌توانیم روند تاریخی قیمت بیت کوین را بررسی کنیم. بیت کوین مانند دیگر ارزهای دیجیتال بازار در سال‌های گذشته نوسان‌های زیادی را تجربه کرده است. با این حال،

با بررسی نمودار قیمتی آن متوجه می‌شویم که این ارز دیجیتال تا امروز به‌طور مداوم موفق شده است از کف قیمتی اش فاصله بگیرد و اوج جدیدی ثبت کند. تکرارهای این روند در سال‌های گذشته تضمینی برای رخ دادن دوباره آن در آینده نیست. واقعیت این است که در بازار ارزهای دیجیتال وقوع هر اتفاقی امکان پذیر است و بارها روندهای قیمتی حرفه‌ای‌ترین سرمایه‌گذارها و تریدرهای بازار را نیز غافل گیر کرده‌اند. بنابراین، به هیچ وجه نمی‌توان با قاطعیت روند قیمتی یک ارز دیجیتال را در چند ماه و چند سال آینده پیش‌بینی کرد. توجه به این نکته نیز مهم است که بیت کوین جهش شدیدی چندبرابری قیمتش در سال ۲۰۲۱ را مدیون همه‌گیری کرونا و سیل جدیدی از سرمایه‌گذاران بود؛ روندی که بعد است به‌زودی مشابه

آن را ببینیم و احتمال رخ دادن رشدهای چندصد درصدی و ناگهانی بیت کوین کم است. با کاهش قیمتی ارزها و ورشکستگی‌های مختلفی که در سال ۲۰۲۲ در بازار ارزهای دیجیتال رخ داد، اعتماد عمومی به این بازار کاهش پیدا کرده است و خروج برخی از بازیگران بزرگ از این بازار را شاهد هستیم. با وجود این، همچنان نگاه‌های بسیاری به این بازار است و حتی در بازار نزولی نیز به ناگهان یکی از ارزها توجهات را به خود جلب می‌کند و سپس حجم عظیمی از سرمایه به آن وارد می‌شود. این روند نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران همچنان آماده ورود دوباره و سرمایه‌گذاری در بازار هستند؛ بنابراین، با ایجاد شرایط مناسب و هیجان و جذابیت دوباره بیت کوین، این ارز دیجیتال بار دیگر می‌تواند اوج قیمتی جدیدی را ثبت کند.

محبوب‌ترین ارز دیجیتال بازار همچنان طرفیت زیادی برای رشد دارد و آماده است تا در فرصت مناسب، سود سرشاری را نصیب سرمایه‌گذاران خود کند. این مقاله براساس پیش‌بینی و فرضیه نوشته شده است؛ یعنی زمانی که در بازه‌ای ۲.۵ ساله بیت کوین موفق می‌شود به سطوح ۶۸,۷۸۹ و ۱۰۰,۰۰۰ دلار برسد. در این فرضیه، شما بیت کوین‌های خود را در مارس ۲۰۲۳ (خرید ۱۴۰۲) به قیمت حدودی ۲۵,۰۰۰ دلار می‌خرید و سپس آن‌ها را ۲.۵ سال بعد در اگوست ۲۰۲۵ (آبان ۱۴۰۴) به قیمت ۶۸,۷۸۹ یا ۱۰۰,۰۰۰ دلار می‌فروشید. با مشخص کردن قیمت بیت کوین و به خاطر سپردن این فرضیه، حال می‌توانیم سؤال اصلی مقاله را بررسی کنیم.



مقدار بیت کوین	سود خالص	هزینه خرید
۱۰	۱۰۰	۱۰
۱۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰
۱۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰

مقدار بیت کوین	سود خالص	هزینه خرید
۱۰	۱۰۰	۱۰
۱۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰
۱۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰
۱۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰

مقدار بیت کوین مورد نیاز برای ثروتمند شدن در کشورهای جهان چقدر است؟

باتوجه به اینکه هر کشور شرایط اقتصادی و اجتماعی خاص خود را دارد، برای پاسخ به این پرسش برخی از کشورها را در ۵ قاره آمریکای شمالی، آمریکای جنوبی،

اروپا، آفریقا و آسیا بررسی می‌کنیم. علاوه بر بررسی میزان بیت کوین‌های مورد نیاز برای ثروتمند شدن، اطلاعات مهم و مفیدی درباره بازار ارزهای دیجیتال هر قاره و کشور نیز ارائه داده‌ایم تا دید مناسبی از بازار کشورهای مختلف جهان به دست آورید. این داده‌ها از آخرین گزارش‌های

وبسایت تحقیق و تحلیل triple-a استخراج شده‌اند. **آمریکای شمالی و آمریکای جنوبی** براساس آخرین داده‌های منتشر شده، در سال ۲۰۲۳ بیش از ۵۴ میلیون نفر در آمریکای شمالی صاحب ارزهای دیجیتال هستند. در آمریکای جنوبی نیز ۳۳ میلیون نفر

دارنده ارز دیجیتال هستند و در بازه یک ساله ژوئن ۲۰۲۱ تا ژوئن ۲۰۲۲، معاملات ارزهای دیجیتال در این قاره رشد ۴۰ درصدی تجربه کرد. برزیل و آرژانتین و کلمبیا از جمله کشورهای آمریکای لاتین هستند که بیشترین دارندگان و کاربران ارزهای دیجیتال را از آن خود کرده‌اند.

انگلیس

در میان کشورهای اروپایی، مردم کشور انگلیس از علاقه‌مندان ارزهای دیجیتال به‌شمار می‌روند و جدیدترین داده‌ها حاکی از سرمایه‌گذاری حدود ۱۰ درصد از مردم این کشور در ارزهای دیجیتال است. تقریباً ۶۰ درصد از دارندگان ارزهای دیجیتال در این کشور ۱۸ تا ۳۴ سال دارند که بیت کوین و دیگر آلت کوین‌های بازار را خریده‌اند. بیت کوین محبوب‌ترین ارز دیجیتال در کشور انگلستان است و براساس آمارهای منتشر شده سال ۲۰۲۲، بیش از ۶۲ درصد از سبد سرمایه‌گذاران قرار گرفته است. برای ثروتمند شدن در انگلیس، باید حداقل ۸۰۰ هزار دلار دارایی خالص داشته باشید؛ پس شهروند انگلیسی نیازمند فروش ۱۸.۵ بیت کوین با قیمت ۶۸,۷۸۹ دلار یا ۱۱ بیت کوین با قیمت ۱۰۰ هزار دلار است.

سود خالص	هزینه خرید	تعداد BTC مورد نیاز	قیمت فروش BTC
۸۱۰ هزار دلار	۴۶۰ هزار دلار	۱۸.۵	۶۸,۷۸۹ دلار
۸۲۵ هزار دلار	۲۷۵ هزار دلار	۱۱	۱۰۰,۰۰۰ دلار

اروپا

با وجود فعالیت گسترده شرکت‌ها و برنامه‌های ارز دیجیتالی در این قاره، مردم کشورهای اروپایی علاقه زیادی به ارزهای دیجیتال نشان نداده‌اند و بعد از قاره اقیانوسیه، اروپا کمترین دارنده ارزهای دیجیتال را دارد.

برزیل

در آمریکای جنوبی، مردم برزیل از جمله طرفداران ارزهای دیجیتال شناخته می‌شوند و براساس جدیدترین داده‌ها، ۷۸ درصد از مردم این کشور صاحب ارزهای دیجیتال هستند. محبوبیت ارزهای دیجیتال در برزیل به حدی است که این کشور به‌عنوان بازار اصلی ارزهای دیجیتال آمریکای لاتین معرفی می‌شود. در کشور برزیل علاوه بر بیت کوین، علاقه زیادی به سرمایه‌گذاری و استفاده از استیبل کوین‌ها وجود دارد. برای ثروتمند شدن در برزیل، باید حداقل ۱۱۸ هزار دلار دارایی خالص داشته باشید؛ پس شهروند برزیلی نیازمند فروش ۲.۷ بیت کوین با قیمت ۶۸,۷۸۹ دلار یا ۱.۵۸ بیت کوین با قیمت ۱۰۰ هزار دلار است.

سود خالص	هزینه خرید	تعداد BTC مورد نیاز	قیمت فروش BTC
۱۱۸ هزار دلار	۶۷.۶ هزار دلار	۲.۷	۶۸,۷۸۹ دلار
۱۱۸.۵ هزار دلار	۳۹.۵ هزار دلار	۱.۵۸	۱۰۰,۰۰۰ دلار

آمریکا

باتوجه به قدرت اقتصادی آمریکا و اثرگذاری جهانی تصمیماتی که در این کشور گرفته می‌شود، بازار آمریکا برای ارزهای دیجیتال اهمیت بسیاری دارد. در سال‌های گذشته با محبوبیت ارزهای دیجیتال در سراسر دنیا، سرمایه‌گذاری مردم آمریکا نیز در بازار ارزهای دیجیتال افزایش یافته است و آمارها از افزایش آگاهی و تعداد کاربران این بازار در آمریکا خبر می‌دهند. آمریکا از جمله کشورهایی است که هزینه‌های زندگی و خدمات در آن سرسام‌آور است. بنابراین، سرمایه‌گذاران آن به بیشترین میزان بیت کوین برای ثروتمند شدن نیاز دارند. برای ثروتمند شدن در آمریکا، باید حداقل ۲.۲ میلیون دلار دارایی خالص داشته باشید؛ پس شهروند آمریکایی نیازمند فروش ۵۰ بیت کوین با قیمت ۶۸,۷۸۹ دلار یا ۲۹.۵ بیت کوین با قیمت ۱۰۰,۰۰۰ دلار است.

سود خالص	هزینه خرید	تعداد BTC مورد نیاز	قیمت فروش BTC
۲۰۱۹ میلیون دلار	۱.۲۵ میلیون دلار	۵۰	۶۸,۷۸۹ دلار
۲.۲۱ میلیون دلار	۷۴۰ هزار دلار	۲۹.۵	۱۰۰,۰۰۰ دلار

آلمان

براساس داده‌های منتشر شده در سال ۲۰۲۲، بیش از ۶ درصد (حدود ۵ میلیون نفر) از مردم آلمان صاحب ارزهای دیجیتال هستند. در آلمان ارزهای دیجیتال بیشتر توجه میان سالان را به خود جلب کرده‌اند و ۶۷ درصد از سرمایه‌گذاران ۲۵ تا ۴۴ ساله هستند. با وجود افزایش میانگین درآمد در این بازه سنی، مردم این کشور در مقایسه با انگلیس سرمایه کمتری را به بازار وارد کرده‌اند. حدود ۴۰ درصد از دارندگان آلمانی ارزهای دیجیتال، تنها کمتر از ۱,۰۰۰ یورو دارایی در اختیار دارند؛ در حالی که ۶۳ درصد از دارندگان انگلیسی ارزهای دیجیتال بیش از ۱,۰۰۰ پوند (۱,۴۰۰ یورو) موجودی دارند. برای ثروتمند شدن در آلمان، باید حداقل ۵۲۲ هزار دلار دارایی خالص داشته باشید؛ پس شهروند آلمانی نیازمند فروش ۱۲ بیت کوین با قیمت ۶۸,۷۸۹ دلار یا ۷ بیت کوین با قیمت ۱۰۰ هزار دلار است.

سود خالص	هزینه خرید	تعداد BTC مورد نیاز	قیمت فروش BTC
۵۲۵ هزار دلار	۳۰۰ هزار دلار	۱۲	۶۸,۷۸۹ دلار
۵۲۵ هزار دلار	۱۷۵ هزار دلار	۷	۱۰۰,۰۰۰ دلار

ناگفته‌نماند که گفته‌های این مقاله صرفاً بررسی فرضیه است و قبل از خرید و سرمایه‌گذاری در بیت کوین، باید بدانید که بازار ارزهای دیجیتال پیچیدگی‌های بسیاری دارد و هیچ وقت نمی‌توان روندهای قیمتی آینده ارزهای دیجیتال را با قاطعیت پیش‌بینی کرد. بنابراین قبل از هر اقدامی، زمان بگذارد، تحقیقات خود را انجام دهید، میزان ریسک را محاسبه کنید و تمام سرمایه‌های پتانسیل خود را به بیت کوین تبدیل نکنید.

خلاصه و تنظیم: زهرا زارعی

تلسکوپ چیز فوق العاده‌ای است. تنها مشکل این است که ما آن را سرورته نگه می‌داریم!

فرض کنیم تو هنرپیشه‌ای و در تمام مدت تلسکوپ وارونه‌ای به تو داده شده است. به آزمون صدا می‌روی آنجا همه مثل چرخ‌دنده‌هایی کوچک و فاقد شخصیت در یک ماشین غول‌آسای ترسناک‌اند! به تو آموزش داده شده که اینگونه ببینی. در اتاق انتظار نشسته‌ای به تک‌تک افراد نگاه می‌کنی و البته با تلسکوپی وارونه که دیگران بزرگ و واجد صلاحیت به نظر می‌رسند و تو کوچک و بی‌ارزش. بازی‌ای که شروع می‌شود این است «تو کوچک و صرف‌نظر کردن هستی» یا «تو باید سالها منتظر باشی، مگر اینکه ما به تو بگوییم که می‌توانی ایفای نقش کنی.» چرند است!

«مدیریت» بازی‌های چرخاند و «استعداد» مثل طبقه بردگان است. جای تعجب هم نیست که مردم بعضی وقتها قاطی می‌کنند، آب‌زیر‌کاه می‌شوند و بقیه را به بازی می‌گیرند. خاصیت برده بودن این طور است. فکر می‌کنید باید این طور رفتار کنید تا بتوانید به جایی برسید. وقتی می‌گویند «هنرمندان قاطی هستند» شاید بهتر باشد فکر کنند خودشان چقدر قاطی می‌کردند اگر کوچک می‌شدند یا به حساب نمی‌آمدند، بهشان پشت پا می‌زدند و تمام وقت زیر پایشان را خالی می‌کردند.

اگر تصور می‌کنی دنیای هنر مانند ردم قبل از فروپاشی است درست فهمیده‌ای. ستاره‌های سینما مانند بردگانی‌اند که بیشتر بهشان می‌رسند. از پول، همچون مخدري استفاده می‌کنند تا



«پروازهای خلاقیت»

وقتی گالیور بیدار می‌شود!

نویسنده‌ها، هنرپیشه‌ها، تولیدکننده‌ها و کارگردان‌ها همیشه گیج و منگ‌نگه دارند تا اصلاً متوجه نشوند که قدرت واقعی در دست آنها است که اغلب هم از آن برای ساختن چیزها استفاده نمی‌کنند. شاید در اشتباه باشم ولی فکر می‌کنم ما جایی

هستیم که خیلی‌ها دارند شیطن می‌کنند. کارگردان‌هایی را می‌شناسم که واقعاً دوست داشتند کارگردانی کنند-اگر می‌توانستند تمام مدت این کار را می‌کردند- آنها کارگردانی را بیشتر از پول، جت و چیزهای نشسته‌کننده دوست دارند.

کارگردان‌های بزرگ هم موقع فیلم‌ساختن، خوشحال‌ترند حتی اگر فیلم کوتاه بسازند. این دقیقاً همان کاری است که فکرمی‌کنم تا یک دقیقه دیگر می‌روند انجام بدهند. استعداد مثل گالیور است که وقتی بیدار شده خودش گفت این همه طناب چیست؟ این همه آدم کوچولو که سعی می‌کنند مرا کنترل کنند، کی‌اند؟ عصبانیت معمولاً علامت روشنگری است؛ وقتی می‌فهمیم راجع به اشکالات مان بیش از خوبی‌هایمان به ما گفته‌اند.

از خودت بپرس...

- ۱ در زندگی‌ات چه کسی آرزوهایت را کوچک می‌کند؟ این موضوع برای بسیاری از ما مسئله‌ای ریشه‌دار است و همیشه هم آدمهای مختلفی این کار را با ما میکنند.
- ۲ چه کسی در زندگی‌ت استعدادت را کوچک می‌کند؟ بیشتر اوقات دستاوردها و توانایی‌های ما با وجود سوابق موفقیت‌هایمان نادیده گرفته می‌شوند.
- ۳ چه کسی در زندگی‌ت مشکلات را کوچک می‌کند؟ این تکنیک موجب می‌شود که متوجه نشوی با وجود چه مشکلاتی موفق شده‌ای.
- ۴ چه کسی در زندگی‌ت هدف‌ها و رویاهایت را بزرگ می‌کند و گسترش می‌دهد؟
- ۵ چه کسانی در زندگی‌ت استعدادهایت را شکوفایی می‌کنند و پرورش می‌دهند؟ آنها تقویت‌کننده تو هستند.

ادامه دارد...

از کتاب «پروازهای خلاقیت» راهنمای رفع موانع خلاقیت/نوشته جولیا کارمرون، ترجمه دل‌آزهرمان ولاله‌مهدی‌نژاد، نشر مثلث

خلاصه و تنظیم: فاطمه حیدریان

در زمانه‌ای که رقابت و تغییرات سریع شدت گرفته است، سازمان‌ها ناگزیرند پیوسته به بهبود عملکردشان بپردازند. توانایی سازمان‌ها در خلق نتایج مهم کسب و کار مثل افزایش ارزش سهام‌دار، وفاداری بیشتری مشتری‌ها، فرایندهای کارا تر و پاسخگو تر، و کارکنان بهره‌ورتر و همسو با اهداف استراتژیک از جمله مواردی است که همه سازمان‌ها به دنبال آن هستند. اما چیزی که اندازه گرفته نشود، امکان مدیریت ندارد. چگونه مدیران بدون پایش تغییرات شاخص‌های کلیدی عملکرد متوجه شوند که شرکت در شرایطی است که می‌تواند ارزش بیشتری به سهام‌داران بدهد؟

شما به عنوان یک مدیر نقشی حیاتی در سنجش عملکرد دارید. برای مثال، باید نقش واحد خود را در سودآوری شرکت، بهره‌وری و وفاداری مشتری ارزیابی کنید. همچنین باید شاخص‌های عملکردی را که مدیریت ارشد تعیین کرده است، رصد کنید. بنابراین به یادگیری نحوه انتخاب و پایش معیارهای عملکرد واحد خود نیاز دارید. در این مطلب توضیح می‌دهیم سنجش عملکرد چگونه کار می‌کند، چگونه رویکردی نظام‌مند به آن داشته باشیم و چگونه از اشتباه‌های رایج در این حوزه پرهیز کنیم.

سنجش عملکرد به چه معناست؟

آیا تاکنون بسکتبال بازی کرده‌اید، دوچرخه‌سواری کرده‌اید و یا در ورزش فردی یا تیمی شرکت کرده‌اید؟ دوست دارید عملکردتان را رصد کنید، حتی اگر به همین سادگی باشد که بگویید «من این بار سریع‌تر از قبل دویدم» یا «در این بازی ۴ امتیاز بیشتر از آخرین بار بدست آوردم.»

چرا به دنبال امتیازدهی یا نمره‌دهی به عملکرد خود هستید؟ شاید شما نیز مثل بسیاری از مردم، به دنبال عملکرد مناسب بوده یا نتیجه‌محور هستید. شاید هم تنها دلیل این که به دنبال امتیاز هستید، روحیه رقابتی شما باشد. می‌خواهید بدانید عملکردتان بهتر شده یا اوضاع بدتر شده است؛ دستاوردهای اخیر شما

چرا عملکرد سازمان را بسنجیم؟

در مقایسه با بهترین دستاوردهایمان چه وضعیتی دارد؟ می‌خواهید بازخوردی از کارتان داشته باشید.

سازمان نیز به دنبال پایش تغییرات عملکرد خود هستند و لازم است که این گونه هم باشد. واحدها، گروه‌ها و افراد سازمان نیز، خواستار رصد عملکردشان هستند. در ادامه، نگاهی دقیق‌تر به نیاز سنجش عملکرد کسب و کار خواهیم داشت.

چرا عملکرد کسب و کار را می‌سنجیم؟

سازمان‌ها به دلایل متعددی عملکردشان را می‌سنجند. در ادامه برخی از این دلایل آمده است. بهبود، برنامه‌ریزی و پیش‌بینی، رقابت، پاداش، قوانین و استانداردها.

سنجش عملکرد چیست؟

اگر بخواهیم تعریفی ساده از سنجش عملکرد ارائه بدهیم، سنجش عملکرد به معنای ارزیابی نتایج کسب و کار، تعیین اثربخشی استراتژی شرکت و کارایی فرایندهای عملیاتی آن و ایجاد تغییر برای پرداختن به کاستی‌ها و سایر مشکلات است. شرکت‌ها عملکردشان را با کمک روش‌ها و معیارهای متفاوتی می‌سنجند. اما در بسیاری از سازمان‌ها، سنجش عملکرد به معنای بررسی نتایج فعالیت‌های کسب و کارهای کلیدی شرکت با معیارهای عملکرد از پیش

تعیین شده است. برای هر فعالیت کسب و کار، معیارهای متعددی وجود دارد. بسیاری از سازمان‌ها از سیستم یا چارچوبی هماهنگ، برای ارزیابی عملکرد کسب و کار از طریق عملیات مختلف‌شان استفاده می‌کنند. نظام سنجش عملکرد مناسب، باید متوازن باشد، به این معنا که ویژگی‌های زیر را دارا باشد. عملکرد مالی شرکت (مثل درآمد، هزینه و سود) و عملکرد غیرمالی شرکت (برای مثال دانش کارکنان، دسترسی به سیستم‌های اطلاعاتی و کیفیت ارتباط با مشتری) را ارزیابی می‌کند. متکی بر داده‌های داخلی (مثل کیفیت فرایند) و داده‌های بیرونی (مثل رتبه‌بندی‌های عملکرد شرکت در مقابل رقبای) است.

شاخص‌های تأخیری و پیش‌رو را مدنظر دارد. برای مثال میزان فروش نشان می‌دهد که شرکت در گذشته چه دستاوردی داشته است و بنابراین شاخص تأخیری است. به عکس، نمره رضایت مشتری را نشان می‌دهد که مشتری‌ها در آینده چه رفتاری خواهند داشت و شاخص پیش‌رو است. به جنبه ذهنی عملکرد که کمی کردن آن دشوار است (مثل رضایت مشتری و توانمندی کارکنان) و جنبه عینی (مثل درآمد یا نرخ بازگشت سرمایه) به طور همزمان اهمیت می‌دهد. شرکت با ایجاد توازن در نظام

سنجش عملکرد خود تصویر کامل‌تری از فعالیت‌هایش خواهد داشت. این تصویر جامع به مدیران امکان می‌دهد که از خطاهایشان بیاموزند، بهبود مستمر داشته باشند و هوشمندانه‌ترین تصمیم‌ها را بگیرند.

چه کسی از داده‌های سنجش عملکرد استفاده می‌کند؟

بسیاری از افراد درون و بیرون شرکت از داده‌های سنجش عملکرد استفاده می‌کنند. برای مثال مدیران ارشد از این داده‌ها برای بررسی میزان تحقق استراتژی شرکت و اقدام‌های اصلاحی مورد نیاز استفاده می‌کنند. مدیران واحدهای سازمان و رهبران گروه‌ها از داده‌های عملکرد برای انگیزش و ارزیابی عملکرد و بازدهی کارکنان استفاده می‌کنند. سهام‌داران، تحلیل‌گران صنعت، مشتریان، رسانه‌ها و دولت‌مردان از این داده‌ها برای تصمیم‌گیری‌هایی مثل سرمایه‌گذاری یا خرید از شرکت یا این که آیا شرکت عملیاتی منسجم و بهره‌ور دارد یا خیر استفاده می‌کنند. کارکنان یاد می‌گیرند که آیا آن‌ها و گروه‌شان در تحقق اهداف شرکت سهم دارند.

آیا رییس شما برای رصد کردن جنبه خاصی از عملکرد گروه به شما نیاز دارد؟ اگر این طور نیست آیا هنوز باید برای یادگیری سنجش عملکرد و ارزیابی نتایج گروه وقت بگذارید؟ پاسخ آری است چرا؟ ارزیابی عملکرد گروه و درک ارزش آن شما را قادر می‌سازد متوجه شوید که آیا شما و همکارانتان:

- به تحقق اهداف شرکت کمک می‌کنید؟
- خطاهای گروه را برای بهبود عملکرد شناسایی می‌کنید.
- نحوه تاثیر رفتارها و انتخاب‌ها را بر عملکرد کارکنان متوجه می‌شوید.
- فرصت‌های جدیدی برای بهبود اثربخشی واحد یا گروه شناسایی و یا نقش آن را در موفقیت سازمان بیشتر می‌کنید.
- دانش سازمانی و اعتبار حرفه‌ای کسبی‌کنید و در کارتان پیشرفت می‌کنید. / خلاصه شده در تحریریه افق اقتصاد از کتاب «ارزیابی عملکرد» ادامه دارد...

